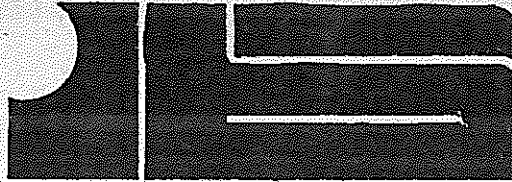


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

نابود باد امپریالیسم جهانی
سرکردگی امپریالیسم آمریکا
وپایگاه داخلی



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۲۱

سرمقاله

چگونه میتوان انقلاب را به جلوسوق داد؟

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی در آستانه سقوط قرار گرفته است. حتی اپوزیسیون - بورژوازی لیبرال نیز که مدت‌ها می‌کوشید از درون حاکمیت و با تکیه انجام باره‌ای رفربهای بورژوازی مانع سقوط مملکتی شدن رژیم گردد، امروز بمزاحمت از سرنگونی اجتناب ناپذیر آن سخن می‌گویند. بورژوازی لیبرال که از "فاجعه" قریب الوقوع بهراس افتاده است وهم بقیه در صفحه ۲

سیاست رجائی تشدید فقر و فلاکت است

تلویزیون، همه را بیدار نماید. شایسته است که شاه و شوکرانش می‌تواند، مملکتی خمینی دست خود را دراز کرده و رجائی بی‌مثال به یک انسان مفلوک و بی‌آزاد - بقیه در صفحه ۶

سرانجام پس از اجرای انتخابات فرمایشی و تقلبی ریاست جمهوری، خمینی نیز در یک محنه نمایشی حکم تنفیذ ریاست جمهوری رجائی را صادر کرد. - نمایش این محنه محک از صفحه را دیسو

خمینی چه گفت؟
خمینی چه کرد؟

زلزله کرمان و عوام‌فریبی‌های رژیم جمهوری اسلامی

زلزله اخیر کرمان که طی آن هزاران تن از هموطنان زحمتکش ما کشته، زخمی و بی‌خانمان شدند، بار دیگر مست برانبوه ممالکی که زحمتکشان میهن ما با آن رو برو هستند، جنگ، قحطی، گرسنگی، آوارگی، بیگاری، زلزله و ...
شارلاتا‌های رژیم جمهوری اسلامی طبق معمول و رویه همیشه خود زلزله اخیر امری الهی قلمداد کرده اند که برای امتحان بینندگان خدا نازل شده است. این اولین بار نیست که رژیم ممالکی را که هر لحظه توده‌های مردم با آن رو برو هستند با چنین توجیهات عوام‌فریبانه‌ای بیان می‌کند. چسرا همواره توده‌های محروم و ستمکش میهن ما با بدستار تمام این ممالک را بر دوش بکشند و مورد امتحان قرار گیرند. بقیه در صفحه ۱۴

با همه نیرو و با استفاده از تمام امکانات به دفاع از زمیندگان اسپرد دست در خیمان برخیزیم

کمیته‌ها، از استادیوم‌های ورزشی، استیبل‌ها و خلاصه هر محلی که بتواند عده‌ها در آن محبوس کند، استفاده کرده است. طبق اخبار خود رژیم که در روزنامه‌های دولتی منتشر میشود در بعضی شهرهای کوچک تعداد - دستگیرشدگان چندین برابر گنجایش زندانهای رسمی و غیر رسمی آنهاست. - تراکم زندانیان در بازداشتگاهها بقدری زیاده است که دولت تصمیم گرفته به‌مناسبت عید فطر تعدادی از زندانیان را عادی - (جانیا) قاچاقچیها، و مجرمین مواد مخدر؛ را آزاد کند تا جای آنها را با زندانیان سیاسی پر کند. بقیه در صفحه

موج وسیع دستگیریها در سراسر ایران تعداد زندانیان را به رقم چند هزار رسانده است. تنها طرف یکماه گذشته هزاران نفر از کارگران، زحمتکشان شهری و روستایی دانش آموزان، دانش‌جویان، معلمین، کارمندان، استادان دانشگاهها، پیرستانها و بیچارگان و بی‌بازگشتان و ... دستگیر شده‌اند. از این عده تاکنون بیش از - دویست نفر از اعضای و هواداران سازمان‌های انقلابی، فدائیان و مجاهدین خلق، بیکار و ... به‌جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. رژیم علاوه بر زندانیان رسمی در تهران و شهرستانها، از زندانیان -

- در این شماره
- جنبش جهانی
 - جنبش کارگری
 - اخبار کردستان
 - دوشعر از سعید سلطانپور

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک

بدنی در کوجه و خیابان، دستگیریهایی وسیع، ترورهای خیانتی، موج بیوانه و آزار عوام‌فریبی و انقلابیون، یورش وسیع به دهکده‌ها، توقیف تمام ممالک نشریات انقلابی و مترقی، یورش وسیع به چاپخانه‌ها برای جلوگیری از انتشار کتب مترقی، همه و همه وجوه مختلف یورشی است که رژیم جهت برقراری یک دیکتاتوری امپریالیسم بسند آغاز کرده است. بقیه در صفحه ۵

رژیم جمهوری اسلامی با سال آزادیها و حقوق دموکراتیک توده‌ها را روز به روز شدت میبخشد. یورش اخیر رژیم - سرقراری یک دیکتاتوری لگام‌کشیده را بشکلی بنیادین در دستور قرار داده است. سرکوب و خنثی‌سازی ممالک کارگری بدون کشیدن تظاهرات کارگران قزوين دیکتاتوریهای گسترده کارگران مازندران، اعضاء شوراهای کارگری، برقراری جو ارباب و سرکوب، خانه‌گردیها، تفتیش

مؤک بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

چگونه میتوان انقلاب را جلوسوق داد

نیمه ارسفحه ۱

اکنون این خطر احساس می‌کند، کسه همراه با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، انسان سیستم و منافع بورژوازی بخطر افتد، مرفا "بحر فکنا نکرده بلکه گامهای عملی وحی برداشته است تا شاید بتواند از همان آغاز مهر خود را بر سیر رویدادها بر جای بگذارد و سیل خروشان جنبش توده‌ای را علیه سیستم موجود که امروزه در سطح بلکه در عمق در جریان است و بزودی بموزت یک انفجار انقلابی خود را نشان میدهد، بنفست خود مفا رکند، همه شواهد و دلایل اقتصادی اجتماعی و سیاسی که ناآنگون مکرر در نوشته‌های خود بیان اشاره کرده ایم و در اینجا از تکرار آنها خودداری میکنیم، نشان میدهد که گذشت هر روز تا توانی رژیم ایما ذرای بخود می‌گیرد و رژیم جمهوری اسلامی مدا م بورژوازی و سرنگونی نزدیکتر میگردد، در جنبش شرايطی است که سازمانها، گروهها و شخصیتها که هر یک نما ینده و بیانگر خواستها، تمایلات، گرایشها و منافع طبقاتی گوناگون اند، خود را برای در دست گرفتن قدرت و در این زمینه اختلاف - ها و اتحادهای گوناگون، و نیز برنامهای که حول آن وسیعترین توده‌های ناراضی مردم رایسج کنند، آماده می‌سازند، بنسبا برای مسئله‌ای که سازمانها و گروههای م - ل یعنی سازمانها و گروهها ش، که از منافع و خواستهای پرولتاریای انقلابی ایران دفاع میکنند، با آن - روبرو هستند، اینست که با توجه به سطح رشد، بشکل و آگاهی طبقه کارگرو سازمان های م - ل با توجه به توازن نیروهای طبقاتی و خلاصه با توجه به مجموع شرایط حاکم برجش، چگونه میتوان نند نقش انقلاب خود را ایفا کنند و بر اساس کدام اختلافها و اتحادها، تاکتیکها و کدام - خواستها، قانند جنبش را یک گام جلوسوق دهند و در جهت تداوم و تکمیل انقلاب گام بردارند.

ما تا کنون مکرر بر این مسئله تاکید کرده ایم که در انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک خلقهای ایران که به قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید از یکسوق قدرت اساسا در دست جناحی از بورژوازی ضد انقلابی قرار گرفت و از سوی دیگر توده‌های دستاورد های انقلابی کسب کردند، از آنجا که قدرت در دست ضد انقلاب قرار گرفت، انقلاب در زمینه راه متوقف ماند و نتواند اقدامات بعدی رژیم در جهت نابود کردن اختلاف صورت گرفت، و در مقابل، فوری ترین وظیفه‌ای که با توجه به خود ویژگی شرایط کنونی و نیمه کاره بودن انقلاب در برابر جنبش انقلابی اقرا گفت، تکمیل انقلاب بوده و هست، این وظیفه در حقیقت تحقق خواست های خلق در یک انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک یعنی تحقق استقلال و قطع وابستگی در وجه مختلف اقتصادی، سیاسی نظامی، فرهنگی از یکسوق و تحقق خواست های دمکراتیک توده‌ها، تا میسر آنرا در آنها و حقوق دمکراتیک خرد اوسوی دیگر است، با درک وظائف انقلاب، - خواستهای توده‌های مردم و کارکنان عمومی جنبش انقلابی توده‌ها، و طبعی

نیروهای انقلابی و قبل از همه سازمانها و گروههای م - ل است که با جمع بندی تجربیات گذشته و درسی آموزی از چگونگی بقدرت رسیدن ضد انقلاب حاکم، تمام تلاش خود را بکار گیرند و اجازه ندهند که یکبار دیگر جنبش انقلابی توده‌های مردم به بیراهه کشانده شود و بورژوازی - با استفاده از ضعف سازمانهای انقلابی، رهبری جنبش را در دست خود گیرد، از این رو تا کید بر چند مسئله بویژه از جنبه اتحادها و اختلافها با احزاب و جریانات غیر پرولتاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است - داراست نخستین مسئله در هرگونه زرفه در رژیم جمهوری اسلامی و تاکتیک بر سرنگونی قهرآمیز این رژیم است - اکنون این مسئله تا حد زیادی بر سر بسیاری از توده‌های مردم روشن شده است که رژیم جمهوری اسلامی از اساس این بدذاتی این با آن فرد، عملکرد نادرست این یا آن نهاد و... نیست که توده‌های مردم را به فقر و فلاکت روز افزونی سوق داده و ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای مردم را از آنها طلب نموده است بلکه کل سیستم اقتصادی - اجتماعی رژیم سیاسی حاکم است که مانع تحقق خواستهای مردم و ادامه و تکمیل انقلاب است، بنابراین باید با یکبارگی مسئله گرایشها تا این حد که می‌کوشد، بنحوی توهامی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی اساس و ارگان آن پدید آورد مبارزه کرد، باید بر این مسئله تاکید نمود که رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند در جهت منافع خلق گام بردارد، این رژیم اساسا "نامعالم و منافع توده‌ها در تضاد است، بنابراین باید قهرآمیز توسط خلق سرنگون شود، بجای آن بفریست یک دولت انقلابی موقت، یعنی دولتی که با نگارنده خلق و ارگان قیام پیروز مند توده‌ها است، موقتا "جا یگزین رژیم سرنگون شده شود، بمارت دیگر حکومت انقلاب موقت یعنی حکومتی که از بن مپاره خلق جو شده است باید ارگان اقتدار خلق باشد، روشن است که این سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری - اسلامی، "جا یگزینی آن وسیله یک حکومت انقلابی موقت نمیتواند، جز از طریق خلق انقلابی، و جز بوسیله انقلابی صورت پذیرد، تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک دولت انقلابی موقت است که میتوان از زمینه برای گشایش مجلس مؤسسان، و اجسرای برنامم حد اقل فراهم آید، مجلسی - دموکراتیک و انقلابی که حقیقتا "موسان باشد و قدرت تاسس و تشکیل یک نظم جدید را داشته باشد، هرکس که بنحوی از انحاء از سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی ایجاد یک حکومت انقلابی موقت و تشکیل یک مجلس مؤسسان انقلابی و دموکراتیک ظفره رود، هدفی جز ایجاد توهم در ذهن توده‌های مردم و فریفتن خلق در سنال نرکند، هیچک از نهادها و ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی، قاسوسی، سرخس، مشروع و عادلانه نیست، کسکه در جهت تداوم مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک بوده‌ها که مبرسار در جهت تداوم و

تکمیل انقلاب می‌کوشد، نمیتواند هیچک از ارگانها و نهادهای رژیم جمهوری اسلامی را مشروع و قانونی بنامد، قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی و تمام ارگانها، نهادها و بطور کلی سیستمی که در این قانون تبلور یافته است ذره‌ای نه بسیار خواستهای مردم و نه تا مین کننده منافع آنهاست، سران جمهوری اسلامی از همان آغاز ابتدائی ترین حقوق توده‌های مردم را پایمال کردند، دولت موقت نه دولتی انقلابی بلکه اساسا "غدا انقلابی بود، مجلسی که قرار بود بعنوان مجلس مؤسسان پدید آید، نه مجلسی واقعا - دمکراتیک و انقلابی، نه مجلسی بیانگر اراده خلق، بلکه مجلسی کاملا ارتجاعی بود، مجلسی بنا م خبرگان ب مردم تحمیل شده که بهیچوجه این "خبرگان " نماینده مردم نبودند، روشن است قانونی که این مجلس نیز بنا م قانون اساسی تهیه نمود و در بند ابتدائی ابتدائی ترین حقوق توده‌ها را نفی نمود، بهیچوجه نمیتواند مورد تایید توده‌ها باشد، تنها این نه تنها مجلس، دولت، و دیگر ارگانها و نهادهای جمهوری اسلامی بلکه ریاست جمهوری آن نیز کاملا "غیر قانونی است، چه کسی خود جرات میدهد، مقامی را که بحسب یک قانون اساسی ارتجاعی که بر طبق آن حسی اقلیت های مذهبی از جمله مسلمانان اهل سنت که تعداد آنها در ایران کسم نیست، از حق انتخاب شدن محروم کند، قانونی بنامد، تمام ارگان این رژیم با بدیچیده شویم چیزی قانونی و برحق در آن وجود ندارد، سرایای رژیم جمهوری اسلامی، ارتجاعی، ضد خلقی و غیر قانونی است، این حکومت بطور کلی بیانگر اراده خلق نمی‌باشد، تنها گمانس میتوانند از خلق، منافع توده‌ها و ادامه و تکمیل انقلاب سخن گویند، که نه تنها برقراری یک حکومت انقلابی موقت که ارگان قیام پیروز مند توده‌ها است را بپذیرند بلکه به ایجاد یک مجلس موسان دمکراتیک و انقلابی نیز معتقد باشند، مجلسی که حقیقتا "خلق، یعنی بیانگر حاکمیت خلق باشد و قدرت تاسس کامل داشته باشد و اتوریته و قدرت تشکیل یک نظم جدید را داشته باشد تا تبدیل به مجلسی نظیر مجلس فرانکفورت که در آن قدرت واقعی در دست خودکامها، و قدرت ظاهری در دست مجلس بود و یا نظیر مجلس خبرگان گذاشتی نشود، این مجلس، مجلسی است که از طریق حکومت انقلابی موقت، بسا فراهم آورد زمینه آزادی کامل تبلیغ و انتخابات و با فراهم آوردن زمینه‌های کاملا مناسب و انتخابات برای عمومی، برابر، مستقیم و مخفی تشکیل خواهد شد، تنها با بدیچش این سه محور است که هرگونه بزنامه حد اقلی که بیانگر خواستهای توده‌های مردم باشد، پشتوانه مادی اجرائی خود را پیدا میکند، در غیر اینصورت جامع ترین برنامها بر روی کاغذ باقی خواهد ماند، تنها با بدیچش این سه محور است که میتوان با توجه به توازن نیروها، نقش سازمانهای انقلابی و فقدان همزونی پرولتاریا برجش، از برنامم حد اقلی که بتواند، مسای - اختلافها و اتحاد با نیروهای سرخس پرولتاری قرار گیرند سخنی میان آورد، تنها بر این اساس میتوان انقلاب را جلو

استقلال - کار - مسکن - آزادی



جنبش کارگری



مدیر شرکت شرح زیر بیان داشته اند:

بعلت شرایط جنگی و آواره بودن خانواده های اکثر کارکنان و رکود فعالیت در نواحی، مقرشدن حقوق کارکنان مناطق بر اساس دوهفته کار در مناطق و دوهفته استراحت که هفته دوم استراحت فقط حقوق پایه و فوق العاده جنوب (۲۵٪) محاسبه گردیده، و در یافت نمایند.

اما همانطور که مبارزه بیکری، مضمور مستقیم کارکنان، وزارت نفت را در برابر کارکنان بزانودرا وارد و مجبور به پذیرش هفته های استراحت برابر هفته های کارگردانید، مبارزه کارکنان بخاطر دست یابی به حقوق ربنوده شده آنها نیز با موفقیت و پیروزی روبرو خواهد شد.

مبارزه بیکری و رهنده کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران

کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران مدتهای زیادی بود که بخاطر افزایش روزهای استراحت مبارزه میکردند. آنها طرح به وزارت نفت پیشنهاد کرده بودند که مطابق آن یک هفته کار و یک هفته استراحت داشتند. این طرح که به طرح ۲-۷ معروف است از سوی مقامات مسئول وزارت نفت مورد قبول واقع نشد. بنا اینکه کارکنان شرکت تصمیم گرفتند یک هفته کار و یک هفته استراحت را خودموقع اجرا گذارند، با این ترتیب آنها مدتهای مطابق بر نامه مذکور کار کردند، با اجبار مسئولین وزارت نفت به این خواست کارکنان رسیدگی کرد، و پذیرفتند که بر نامه دوهفته کار و دوهفته استراحت به اجراء آید. از آنجا که کارکنان ایمن شرکت اکثراً "در جزایر دور دستی، مثل لاوان، خارک، سیری و دیگر نقاط مشغول کار شدند و عرض یک هفته استراحت نیمه از وقت خود را باید در راه بازگشت از جزیره یا مراجعت به آن صرف کنند. بسا اجرای طرح دوهفته کار و دوهفته استراحت موافقت کردند. اما مسئولین وزارت نفت رژیم جمهوری اسلامی بدلیل ورشکستگی اقتصادی و انگیزه های ضد کارگری خود نیمی از حقوق هفته دوم استراحت کارکنان را از آنها ربوده اند. آنها ضعف و زبونی خود را در برابر کارکنان و مبارزه آنها و در همین حال ورشکستگی و درماندگی خود را در اوضاع کنونی به خوبی در بند ۸۹ هفدهمین جلسه هیات

مردوران رژیم در جهرم، یک فدائی را ترور کردند

نقل از خروش - نشریه هواداران سازمان در شیراز - شماره ۳

در جریان یورش فاشیست های حزبی در جهرم، هشت تن از انقلابیون با فوج ترین وضع به شهادت رسیدند و دهها انقلابی دیگر دستگیر و روانه ساجال های رژیم شدند. رفیق عبدالعظیم سرعتی نیز یکی از این مبارزان و عاشقان راه و راهائی خلق بود.

رفیق عظیم در سال ۱۳۳۴ در جهرم متولد شد. او بعنوان یک عنصر آگاه نقشش مؤثری در سازماندهی تظاهرات سالهای ۵۷-۵۶ مردم جهرم داشت و در قیام بهمن نیز فعالانه در تسخیر پادگانها و پساگامهای رژیم پهلوی شرکت داشت و یکبار نیز مورد اصابت گلوله قرار گرفت. او بعد از قیام در کمیته های جهرم به پاسداری از دستاورد های قیام پرداخت اما با شروع حمله رژیم به کردستان، از کمیته کناره گیری کرد و بعد از آن که ما رگسیم - لنینیسم را بعنوان راه نجات کارگران و زمینگان شناخت، تمام توان خود را در راه رواج علم رها شطابق کارگر به خدمت گرفت و همراهِ سازمان در راه مبارزه گام میزد. سرانجام روز هشتم تیر ماه در یورش مزدوران رژیم به نیروهای مترقی جهرم، دستگیر شد. در آن روز دو بار او را به بازجویی بردند و رها کردند، بار دوم وقتی از کمیته خارج شدند ابتدا بسوی شلیک کردند و سپس با ضربات چاقو او را ز پای درآوردند و بر اثر همین ضربات، رفیق عظیم به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

مدیریت دست از کار کشیده و اعصاب نمودند. مدیریت فدکا رگرا از این اقدام انقلابی کارگران بوحشت افتاد. مدیر بقتل رفته و ابتداء سعی نمود کارگران را با تهدید و کارها زگرداند لیکن مقاومت کارگران باعث شده که مدیریت عقب نشینی نموده و از موضع ضعف از کارگران خواست به کار برگردند. آنگاه با تعطیل کارخانه ادامه یافت لیکن روز چهارشنبه کارگران به کار بازگشتند. این اعتصاب بدون اعلام رسمی با بیان یافت و این بدلیل مشکل نبودن کارگران، عدم پیوند مبارزه کارگران با سایر قسمت ها، نداشتن خواسته مشخص و محدود، خود بخودی بودن... بوده است. نتیجه اعتصاب این بود که اولاً مدیریت از انتقال تعدادی از کارگران این شعبه به قسمت های دیگر خودداری نمود و ثانیاً "بر روی روحیه کارگران تاثیر مثبتی داشت. کارگران در جریان مبارزاتشان در می یابند که اتحاد و مشکل آگاهانه تنها راه بهیود زندگیست می باشد.

کارخانه مکانیک

کارخانه مکانیک (تورخانه سابق) یکی از کارخانجات وابسته به صنایع دفاع است که مورقبلی از قبیل بیل، قعقه، فانوسه، کمربند... برای ارتش تولید می نماید. حدود هزار نفر کارگر در این کارخانه مشغول بکارند. بعد از یورش حزب جمهوری اسلامی به دستاوردهای مبارزاتی توده ها، در این کارخانه نیز مدیریت با همدستی و همکاری انجمن اسلامی بر فشار خود افزوده و با حاکم نمودن جو پلیسی شدت کار را افزایش دادند. آنها حتی تعطیلی بنحسب اضافه کاری اجباری گذاشتند و همگی کارگران را مکلف نمودند روزهای پنجشنبه به اضافه کاری بپردازند و این در حالی است که در روزهای آخر هفته بدلیل شدت کار، کارگران رمقی در بدن ندارند.

روزه شنبه ۳۰ تیر ماه کارگران شنبه افزاری، بدلیل فشارهای بیش از حد

اعدام ناجوانمردانه انقلابیون، نشانه وحشت و زبونی حزب حاکم

رفقای هوادار سازمان در شیراز، در ویژه نامه خبری خود که با اوچ گرفتن تور و سرکوب رژیم در تیر ماه منتشر شده است، ضمن بر شمردن جنایات رژیم جمهوری اسلامی و اعدام انقلابیون مینویسند:

بدنبال موج ترور، سرکوب و اختناق رژیم ضد خلقی حاکم بر هرجاسای جهت ادا مه حیات تنگنیش متوسل شده و در همین رابطه ضمن بخون کشیدن تظاهرات توده ها بهترین فرزندان خلق را با همان برجست های محذرفاهاهی و با پوشش بظا هر اسلامی از قبیل "عشا شکر" و "معارب با خدا" به جوخه های اعدام می سپرد. اعدام های اخیر نیز نمونه دیگری از این جنایات هولناک را به نمایش می گذارد. اعدام ناجوانمردانه انقلابیونی چون فریوش - بقیه در صفحه ۴

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

بمب گذاری در معابر عمومی کار خود رژیم است

بدنیال عملیات قهرمانانه انقلابین بر علیه سرکوبگران و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، رژیم دست به حرکات مذبحخانه ای زده است تا ماهیت عملیات فوق را لوث کرده و مردم را بر علیه انقلابیون بسیج نماید. و آن بهمت گذاری در نقاط عبور و مرور مردم میباشد لاجرم بمعنی که در میدان انقلاب منفجر شد از جمله این موارد است. اما مردم با تجربه ها شی که از مبارزات انقلابیون علیه رژیم شاه و نوع عملیات آنها دارنند بدستی میدانند که فرزندان انقلابیشان هیچگاه دست به عملی نمیزنند که منجر به آسیب رساندن به آنان شود. هدف عملیات نیروهای انقلابی

دشمنان خلق و ارگانهای سرکوب رژیم فداقتی است و این مسئله در صحبت مردم نیز منعکس است مثلاً "هنگامیکه بمب صوتی خیابان ناصر خسرو کشف شد این زمره که کار خودشان است" بوضوح بگوش میرسید. ماضن محکوم کردن این اعمال جنايتکارانه رژیم، بمنذکر مشویم که اینگونه اعمال نه تنها نمیتواند مردم آگاه و مبارزان را بفریبید بلکه تنبیه ماهیت اعمال و رفتن رژیم فداقتی و ارتجاعی جمهوری اسلامی را بنمایش میگذارد.

رژیم جمهوری اسلامی حتی از اجساد بیجان انقلابیون هم وحشت دارد

در تاریخ ۲۸ تیر ماه آرا مگاه رفیق شهید سعید سلطا نیورنیش قیر شد و چند بیجان رفیق بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به گورستان دیگری منتقل گردید. این جنایت آنقدر هولناک است که شاید تصورش هم دشوار باشد اما این واقعیت نشان میدهد که وحشت رژیم از اجساد شهدا نیز کمتر از خود انقلابیون نیست.

اگر امروز رژیم تحت عنوان "لامذهب" به نیش قیر انقلابیون دست میزند این امر صرفاً "پوشش ظاهری مسئله است و هدف اصلی رژیم دورنگهداشتن آرا مگاه آران از چشمان مردم است و این برنا مه را در مورد کلیه انقلابیون در نظر دارد. چندی پیش نیز وابشان رژیم مزدوران حرفه و دیگر انقلابیون را که سالهای سیاه - دیکتا توری، مبارزهای تایای جان را به پیش بردند در هم شکست.

اما خلق قهرمان ما همچنان تکه در رژیم جنايتکار شاه نشان دادند انقلابیون را در قلبهای طبنده خود که مالامال از عشق به فرزندان انقلابیشان است جای میدهند و بیست زهرا را برای دفن مزدوران و جیره خوار رژیم با قوسی میگذازند. حال رژیم هر کجا که میخواهد فرزندان را مزدون سازد و تحت هر عنوانی که میخواهد جنایت کند.

سند این جنایت که در زیر بچاپ میرسد تا ما احمد پورجانی مدیر مسئول بهشت زهرا به داستان انقلاب است و تقاضای جایگاهی اجساد چند انقلابی و مبارزان دیگر را نیز نموده است.

زلزله کرمان

بقیه از صفحه ۱
اگر بجای خانه های خشت و گلی و مخروبه مسکن مناسب و امکانات لازم در اختیار این زحمتکشان قرار داشت اینهمه کشته و زخمی و بی خانمان میشدند؟ چرا امتحان الهی شامل حال سرمایه داران، تجار و کاخ نشینانی که خانه های مقاوم در مقابل زلزله دارند، نمی شود؟ مسئول اینهمه فجاج کسی جز رژیمهای سرمایه داری، از جمله رژیم جمهوری اسلامی نیست. این رژیم پس از گذشت نزدیک به سه سال برای این کوخ نشینان چه کرده است؟ کدام مسکن مناسب و امکانات رفاهی را در اختیار آنها قرار داده است؟ این رژیم بعضی اینکه در فکر توده های

مردم باشد، مدام در پی جاه طلبیهای خود بوده است. نزدیک به یکسال است که بیک جنگ ارتجاعی ادامه میدهد، میلیاردها دلار صرف هزینه های این جنگ کرده و بول هنگفتی را بجهت سرمایه داران سرازیر نموده است. اما در عوض توده وسیعی از مردم را آواره و بی خانمان کرده است. امروز هم که در اثر زلزله سربینه زحمتکشان بر سر آنها خراب شده است، دست به گدائی برداشته و در حالیکه میلیاردها شسروت مردم را تاراج کرده و بنابودی کشانده است از مردم میخواهد که بزلزله زدگان کمک کنند. این است ماهیت رژیمی که عوام فریبانه دم از حمايت استصفین میزند. اما در عمل هزاران بدبختی برای آنها با رمان آورده است.

اعدام ناجوانمردانه انقلابیون

بقیه از صفحه ۳
و کیلی زاده، مسعوده بزرگی، پرویز - عباسی وحسن ولی پور خودبیا نگر اوچ - درمادگی و گنبدیگی رژیم حاکم است، اعمال وحشیانه این خون آشامان بحدی است که روی جلادان تاریخ را سفید کرده اند. بطور نمونه اعدام جنايتکارانسه مجاهد شهید مسعوده بزرگی که چندی قبل توسط پاداران سرمایه با ضرب گلوله زخمی دستگیر گردیده و در تاریخ ۲/۱۶ - ۶/۶ در حالی که بعلت جراحات ناشی از ضرب گلوله توان ایستادن نداشت و بطور خوابیده تیرباران گردید، نمونه اینگونه اعمال ضد انسانی است. ولی چه باک که اینگونه اعدامها پیش از آنکه بتوانند حرکت اعتراضی توده ها را خاموش سازد به شعله ورتشدن آن می افزاید. سردمداران کودن و جنايتکار حاکم نمیدانند که با اعدام هرا نقلابی عزم توده ها استوارتر گردیده و سرانجام خلق انتقام خون شهدای خود را از این جنایت پیشگان خواهند گرفت و تیری نخواهد بیا شد که رژیم حاکم همچون رژیم شاه جلا توسط خلق قهرمان ایران به زیاله دانی تاریخ سپرده خواهد شد. درود بر شهدای بخون خفته خلق سنگ و نفست بر سر کوبگران خلق

در همین ویژه نامه رفقای شیراز سه ایجا دجوار عاب و وحشت در جهرم اشاره کرده اند و در رابطه با اعدام ده تن از هواداران مجاهدین خلق نوشته اند: مجاهد شهید حمید غفوری روز نهم تیر ماه در خیابان صدق مورد حمله مزدوران قرار میگیرد. مردم بیکر مجروح او را به بیمارستان میبرند اما پاداران سرمایه او را دست بزشگان بیرون آورده و به بیابان میبرند و پس از چند ساعت شکنجه با شلیک گلوله او را شهید میکنند. خرید دیگری حاکی از اعدام جاهد شهید مقدسی است. خروش می نورسد: روز - سیزدهم تیر ماه را دیوجهرم اعلام کرد که یکی از عا ملان درگیری های اخیر تیرباران شد جریان بدین قرار بوده است که روز پیش از این تاریخ در یک درگیری که بین حزب اللهی ها و مهید مقدسی و دیگر هم رژیم پویا احد حکمی نژاد شهید شد و مهید مجروح و به بیمارستان منتقل میشود. مزدوران جمهوری اسلامی، پس از ده روز، او را در حالت اغما از بیمارستان خارج کرده و بعد از اینکه در بیدارگاه خودیسه اعدام محکومش میکنند او را بیهوش و مجروح به جوخه اعدام می سپارند.

تاریخ: ۱۳
شماره: ۱۲۱
مقران بهشت زهرا (۲)
در استان محترم تهران
چون بر نامه شماره ۱۳۱۸۰/۱/۱۳۶۰/۱ مورخ ۶۰/۷/۱
و ۱۳۱۸۰/۲ مورخ ۶۰/۷/۱ که تکیس آنها شیشه است برنده که افراد زیر، سید جواد صی، سید رضا حسن، لاسم گفن، حسن قاضی، سعید سلطانی، طلعت رحمتا، محمد حسن اخگر، علی جواد که بر تاریخ ۱۳۶۰/۷/۲ سه نگاه حیره عد داد نی فرزند سید جواد که لاد خان که با ده به شهر جاب، فرزند پد ۶ لاسی کرد و دفن فرزند لاد خان، جبهه اطلاع خواهند است و سید مقدسی معول فرزند پد تاریخ ۱۳۶۰/۷/۲ اعدام شد.

احمد پورجانی
مدیر مسئول سازمان بهشت زهرا

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک

مقیه از صفحه ۱

بر اثر اعمال این سیاستهای سرکوبگرانه و برزمنه بحران اقتصادی - حاکم توده های خلق بسرعتی روز افزون به رودررویی با رژیم برخاسته است. در این شرایط مبارزات دموکراتیک توده ها اوجی نوین میابد و کسب آزادی های سیاسی به حلقه اصلی این مبارزات بدل گشته است. شعارهای دموکراتیک زمینه تبلیغی وسیعی با فتاهات و یک یک نمودهای موجود در سطح جامعه حرس و ولع توده ها در بدست آوردن اعلامیه و نشریات گروهها و سازمانها، تمایز بین شدید مردم به کسب اخبار و توجه وسیع آنان به اخبار مبارزاتی سرعت گسترش شایعات و خبرها، روی آوری وسیع مردم را دیو های خارجی و... همه و همه بنابر بعد از وسیع گرایش توده ها به آزادیهای سیاسی است. اما در این شرایط هنوز نیروهای موجود در جنبش خلق نتوانسته اند به درستی تمامی توان خود را در خدمت تحقق این خواست به حق توده ها قرار دهند. گروهها و سازمانها هنوز درک درستی از مبارزات دموکراتیک، از لزوم آزادی های دموکراتیک و نقش آن در شکل پرولتاریا و خلق تدارک در حد اقل می توان گفت چنین درکی را در سطح جنبش آرا نه نداده اند. این ضعف بخصوص در رابطه با سازمانها و گروههای کمونیستی آوازی، سدی است جهت بکار بردن تمامی توان موجود در جهت ارتقاء سازماندهی مبارزات توده ها و از سوی دیگر مستتر مناسباتی است جهت تسلیفات زهر آگین اپورتونیستهای راست، فرمیتها که تمامی توان خود را در خدمت رژیم ضد خلقی قرار داده اند، جهت مداحی سیاست های سرکوبگرانه او و جهت توجیه کشتار ها و ترورهای رژیم جمهوری اسلامی هرگونه مبارزه جهت کسب آزادیهای سیاسی را در خدمت امپریالیسم قلمداد میکنند.

فرمیتها میگویند مبارزات دموکراتیک توده ها و مبارزات دموکراتیک سازمانها و نیروهای انقلابی را با شعارهای پوچ و آزادیخواهی دروغین بختم رها یکی جلوه دهند و بدین طریق رژیم را در سرکوب و مبارزه مبارزات دموکراتیک خلق یاری رسانند. از سوی دیگر هرگونه کسب بهاء دادن به این وجه سازمانها و هرگونه کوتاهی در امر سازماندهی و پیشبرد آن، امکان به انحراف کثافت نیده شدن جنبش دموکراتیک و بدست گیری رهبری آن - توسط نیروهای ناپیگروما زکا روحی سوار شدن لیسرا لها بر موج مبارزات توده ها را افزایش میدهد.

از اینروست که بیش از پیش لزوم حرکت جهت آرا نه تبلیغی صحیح و روشن از نقش و اهمیت مبارزات دموکراتیک و وظایف پرولتاریا و نیروهای کمونیستی درقبال آن احساس میگردد. مقالاتی که تحت عنوان "پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک" تهیه شده است کوشش است جهت آغاز این حرکت تا بتوان با دادن زدن مبارزه ایدئولوژیک برسرا این مساله (که اینک از مسائل منبر جنبش ماست) به

زدودن نقطه نظرهای انحرافی و تدوین تحلیل جامع، منسجم و حتی الامکان - واحدی در سطح جنبش انقلابی دست یافت.

دموکراسی بورژوازی، دموکراسی پرولتری

در جوامع طبقاتی همواره بر اثر تضاد ذاتی نا پذیر موجود بین طبقات - متخاصم هیچیک از این طبقات قادر نیستند بدون بکارگیری یک ارگان سرکوب - سیاست خود را بر سایر طبقات اعمال نمایند. این نیای زبه سرکوب علت وجودی دولت در این جوامع را بنیان میکنند. دولت ارگان سرکوب و اعمال قدرت طبقاتی است، دولت نیرویی جرابی است که سیاست طبقه ای را بر طبقه دیگر اعمال میکند. طبق نظریه مارکسی دولت ارگان - سیاست طبقاتی، ارگان استمرک یک طبقه بر طبقه دیگر و حاکم از ایجاد "نظمی" است که این استمرک را با تعدیل تضادها - طبقاتی، قانونی و استوار میسازد (لنین) دولت و انقلاب بخوبی روشن است تا زمانی که که جامعه به طبقات تقسیم میگردد، و تا زمانی که طبقه ای بر طبقه دیگر اعمال سیاست مینماید که این خود در جنبش جوامع انارکسی است - هیچگاه نمیتوان سخن از برابری همگانی، آزادی همافرا، مساویات اجتماعی و... را زد. هیچگاه نمیتوان از برابری سنگین و مستکش، استعمار کننده و استعمار شونده صحبت کرد. دموکراسی بطور کلی "دموکراسی ناپاکه یعنی آزادی و برابری همگانی بی معنی است. دموکراسی نیز ما ننند ما بر مفا هم و مقلات اجتماعی همواره مفهومی طبقاتی دارد، وجود دموکراسی بورژوازی هیچگاه به معنی نفی اعمال سیاست طبقه سرما نه دار نیست. در دموکراسی تیک ترین جمهوری بورژوازی نیز دولت دستگاه و ابزاری است برای سرکوب و زحمتکشان و برای ایجاد "نظمی" که استمرک و سیاست بورژوازی را بر پرولتاریا قانونی و استوار کند. دموکراسی بورژوازی یعنی آزادی برای سرما نه داران و ثروتمندان، آزادی جهت استعمار بیشتر، آزادی جهت مکیدن شیره جان کارگران و زحمتکشان، آزادی جهت تدوین قوانین ظالمانه کار و خلاصه آزادی جهت هر چه بیشتر شروتمندان شدن سرما نه داران سرما نه داران - همواره اصطلاح "آزادی" را به مضمون آزادی شروتمندان برای شروتمندان و آزادی گرسنگی کشیدن تا پای مرگ برای کارگران بکار برده اند (لنین) تزارها و گزارش مربوط به دموکراسی - بورژوازی و دیکتاتور پرولتاریا (بورژوازی همواره برای فریب کارگران و زحمتکشان فریب داری و دیوارهای سر میدهند و حتی دیکتاتورترین حکومتگران نیز ادعا دارند که در خطه حکومتی آنان همه آزادند و تمامی افراد نیز در مقابل

قانون برابرند. شاه جلاد را بخاطر بیایورید، با همین سران رژیم جمهوری - اسلامی را بنیاید که چگونه دستا ن آلوده، بخونشان را پشت سرینها ن می کنند - ادعای آزادی و برابری می نمایند. اما تمامی اینها فریبی بیش نیست - حتی در دموکراسی تیک ترین جمهوری های بورژوازی، دموکراسی بورژوازی همواره - دموکراسی محدود، گوش و دم بریده، چلبلی و مالوسانه ای باقی می ماند که برای - توانگران در حکم بهشت برین و سرای استعمار شوندگان و تهیدستان در حکم دام و فریب است (لنین) انقلاب پرولتری و کاتوتسکی مرتد (مثلا در کشورهایی که امپریالیستی بورژوازی ادعا میکند که "مطبوعات آزادند، هر کس از هر قشر، طبقه با هر مسلک و عقیده آزاد است نشریه ای - برای خود داشته باشد و عقاید خود را در مطبوعات منتشر کند". اما با سید در پیش این ظاهرفریبنده و این "برابری همگانی" چه چیز قرار دارد، تنها در صورت دسترسی به پول و ثروت است که میتوان از مواهب این آزادی مطبوعات برخوردار شد، تنها سرما نه داران و شروتمندان هستند که قادرند تصددا هزار دلار هزینه تا سیس یک نشریه را بپردازند، تنها سرما نه دارانند که با مالکیت بزرگایخانه ها، انبارهای کاغذ و وسایل حمل و نقل قادرند از این آزادی مطبوعات سود ببرند. تنها سرما نه دارانند که میتوانند برای تبلیغ عقاید خود در نشریات با بست هرستون هزاران - دلار بپردازند، کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی فقط در صورت تحمیل شدیدترین فشارهاست که شاید بتوانند پول لازم جهت تهیه و نشر یک نشریه را فراهم آورند. و آنگاه هم به مجرد کوچکترین تعرض جدی علیه سرما نه و مالکیت خصوصی به شدیدترین وجه سرکوب می شوند. در نتیجه روشن است که این آزادی مطبوعات تنها سرما نه داران و شروتمندان را شامل میگردد. این مساله در تمامی موارد آزادی های بورژوازی - حتی در کمترین شکل آن - صادق است. مثلا انتخابات و شرکت در حکومت کاملاً آزاد است. تقدر که فرمیتها را به صرافت انقلاب از طریق انتخابات می اندازند، هر "شروتمندان و وبالنی" میتوانند کاندیدای ریاست جمهوری یا وزارت و وکالت گردند. اما عملاً این فقط سرما نه داران و شروتمندانند که میتوانند میلیونها مخارج تبلیغات - انتخاباتی را بپردازند، تنها آنها هستند که به مطبوعات و رادیو و تلویزیون دسترسی دارند، تنها سرما نه داران - قادرند چاپ دستگاهها از هرهای قدرتی که در اختیار دارند توسط اعمال نظر، پارتی بازی، رشوه و تقلب و... در پشت پرده نمایندند مورد نظر خود را انتخاب کنند کارگران و زحمتکشان تنها آزادند که سرکوب کننده خود را برای بهایش سال بکبار انتخاب نمایند (نقل به معنی از ما رکن، جنگ داخلی فرانسه) و تمامی اینها در دموکراسی تیک ترین جمهوری های بورژوازی معنا میابد و هرگونه در رژیمهای چون رژیم شاه و یا چون جمهوری اسلامی، دیکتاتور بورژوازی آنچنان عریان است که تبلیغ آزادی و برابری توده ها مثلاً در کاندید شدن برای ریاست جمهوری تنها و تنها موجب مضحکه خواهد بود. دروسی دیگر در مقابل دموکراسی بورژوازی، دموکراسی پرولتری قرار دارد

مقیه در صفحه ۱۴

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

سیاست رجائی تشدید فقر و فلاکت است

بقیه از صفحه ۱

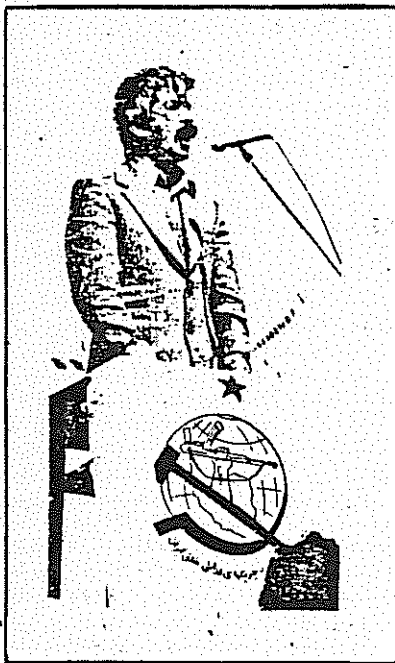
زانوزده دست او را می‌بوسد، جندش آورد - ترین صحنه‌ای بود که نفرت هراسناک آنندک آکا هی را بر می‌انگیخت. رجائی در برابر دیدگان همه مردم نشان داد که او بهمان اندازه هویداها و امثالهم در دوران رژیم شاه بی اراده است. رجائی که نزدیک به یکسال نخست وزیری خود در عمل نشان داده است که نه تنها قادر نیست ذره‌ای از بار فشاری که بردوش - توده‌های زحمتکش میهن مان سنگینی می‌کند، بکاهد، بلکه مدام جامعه و اقتصاد را بسوی ورشکستگی فلاکت باری سوق داده است، اینک در مقام ریاست جمهوری قرار می‌گیرد، او در شرایطی در مقام ریاست جمهوری قرار گرفته که به بحران اقتصادی و سیاسی جامعه به نهایت حدت خود رسیده است. رکودی عظیم بر تولید و صنایع حاکم است. سیستم مالی را اعتباری از هم گسیخته است، خزانه دولت تهی و در آستانه ورشکستگی همه جانبه قرار دارد. چهره مهیب فقر سرا سر جامعه را فرا گرفته است، بیگاری ابعاد فاجعه آسا بخود گرفته است. کمبود کالاها و ما محتاج اولیه مردم و صفهای طولانی برای بدست آوردن حداقل نیازهای روزانه به نهایت خود رسیده است. نارضایتی توده‌های مردم مدام گسترش یافته است جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق هر روز میلیاردها ریال ثروت این مملکت را می‌بلعد، مدها و هزاران خانواده زحمتکش و فرزندان آنها قربانی جاه طلبیهای رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق شده اند، بیخیل خانواده‌ها یاد اعدا می‌پیوندند، بحران سیاسی ابعاد تازه‌ای یافته است، سیاستهای ضد خلقی و ارتجاعی رژیم یک جنگ داخلی را بر مردم تحمیل کرده است، در سراسر ایران درگیریهای مسلحانه غیر مسلحانه ادامه دارد، و هر روز گسترده تر میشود. رژیم جنایتکار حاکم همه روزه‌ده‌ها و مدها تن از فرزندان - انقلابی خلق را بزدان می‌اندازد و بیه جوخه‌های اعدام می‌سپارد. به دیکتاتوری

عریان و تروریسم عنان گسیخته و اختیاق متوسل می‌شود. در یک کلام بحران اقتصادی و سیاسی مدام ژرف تر شده است. در چنین شرایطی است که رجائی این ابزار بلا اراده حزب جمهوری اسلامی، بعنوان رئیس جمهور و وارد میدان می‌شود و هماغانند پیشینیان خود مردم وعده‌های فریبنده می‌دهد. اما کارنامه ننگین این آقای رئیس جمهور در دوران نخست وزیری اش - برای توده‌های مردم کمترین شکی باقی نمی‌گذارد که او در این مقام نیز نه تنها قادر نیست یک ذره از باری که بردوش - زحمتکش قرار دارد بکاهد، بلکه بالعکس زندگی را بر زحمتکشان میهن ماضوار تر خواهد کرد. چرا که وظیفه او پیشا به عا مل حزب جمهوری اسلامی، اجرای بی قید و شرط سیاستهای حزبه یعنی پیشبرد متافع تجار است که همانا استثمار بیش از پیش خلق و وابستگی به امپریالیستها، سرکوب و اختناق و کشتار و دستگیری کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی می‌باشد. حزب همچنان که تا کنون نشان داده است دشمن واقعی کلبه خلقهای تحت تم میهن ما می‌باشد و برای پیشبرد سیاستهای ضد خلقی اش از هیچگونه جناحی فروگذار نخواهد کرد. بنا بر این از آنجا که توده‌های مردم یک سال تجربه نخست وزیری او را پیشا به مجری بلا اراده حزب جمهوری اسلامی تجربه کرده و پشت سر گذارده اند دیگر فریب حیل‌های او را نخواهند خورد. اگر مردم در عمل سیاستهای فلاکت بار او را تجربه نکرده بودند، می‌شد گفت که توده‌ها در انتظار رندتا ببینند از این اما مزاده تازه چه معجزه‌ای ساخته است. اما اکنون توده‌های مردم بخوبی رجائی، سیاستهای او و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را درک کرده و بیش از پیش بی می‌برند که تنها با سرنگونی این رژیم و برپائی حاکمیت شوراهای کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلق است که می‌توانند بخواسته‌های برحق خود جامعه عمل بپوشند.

دوشعراز:

سعید سلطانپور

کردستان مشت پولادین مقاومت است
کردستان زحمتکش
کردستان زنان زحمتکش
کردستان کارواندوه و نبرد
کردستان شکسته شکستناپذیر
کردستان گیسوان خون آلود ما دران
کردستان خشم سرخ پسران
کردستان دستهای دلداری و انتقام
کردستان که برچم سبیده، صلح را
در شفق خونین مقاومت
بیش می‌سپرد



نامه یک هوادار سازمان گزارشی از برگزاری انتخابات فرمایشی دوم مرداد در پادگان بروجرد

روز پنجشنبه اول مرداد از سوی فرماندهان، اعلام شد که روز جمعه تمام پرسنل با یکدیگر آمدند تا با هم باشند، که این امر موجب اعتراض بعضی از پرسنل گردید زیرا جمعه زمان استراحت پرسنل بود. اما منظور فرمانده پادگان این بود که پرتتل مذکور برای رأی دادن اجباری باید حاضر شوند. روز جمعه که تعدادی از پرسنل به پادگان آمده بودند در حدود ساعت ۱۵ صبح رأی گیری آغاز شد. پای صندوق رأی دوروانی و چند نفر از اداره سیاسی آیدئولوژیک پادگان حضور داشتند. از سوی فرمانده پادگان پادگاه آیدئولوژیک دستور رسید مبنی بر اینکه پرسنلی که شناسنامه ندارند می‌توانند بدون شناسنامه رأی بدهند. با این ترتیب افرادی که حضور داشتند جای همکاران غایب خود نیز رأی دادند!

سپس مسئولین امر اذعان کردند که رای گیری بنحوا حسن برگزار شد موضوع دیگر اینکه ورقه‌ای را که برای نوشتن رأی داده می‌شود و یک آنرا کاملاً تطبیق میدادند تا اگر کسی شعاری بنویسد بتوانند رأی دهنده را بشناسند. اما نکته جالب اینکه پرسنل حاضر بخدمت به ۵۰۰ نفر هم نمی‌رسید اما نتیجه اعلام شده عبارت بود از ۱۴۰۰ رأی که ۱۳۰۰ نفر بنا بر رجائی در آمد. یعنی سه برابر تعداد حاضر در پادگان.

این نمونه از یک حوزه انتخابیه بود خوبی ماهیت انتخابات فرمایشی را به نمایش می‌گذارد و بخوبی نشان میدهد که رژیم علاوه بر ایجاد جواریاب و تهدید به برای سازی قلابی نیز متوسل شده است تا حاکمیت ضد انقلابی خود را بر توده‌ها تحمیل کند.

این کردستان است
کردستان ایران است
که چنین در خون می‌درخشد
این آتشها که امروز در بیخ فروخته اند
این آتش های تکه تکه شده خون
این آتش های شانه و پیشانی و قلب
این آتش ها که از بسندیدن کردستان زیانه می‌کشند
فانتموها را می‌سوزانند
تانگها را می‌سوزانند
امپریالیسم و عملش را می‌سوزانند
این آتشها که در بیخ ما دران فریاد می‌کشند
در مشت کینه فرزندان قریا می‌کشند
در پشت خمیده پدران قریا می‌کشند
و در چشم انداز فرزندان زحمت و نبرد
خورشید آزادی می‌شونند
خورشیدان و کارولینخندند
و بر برچم سبیده صلح می‌تابند
برچمی که در دست خونین مقاومت
در آسمان کردستان بگردش در آمده است

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



باهمه نیرو و با استفاده از تمام امکانات به دفاع از رزمندگان اسیر در دست دشمنان برخیزیم

کردند "بود در حالیکه خواست عمومی، در آزادی همه زندانیان سیاسی آنچنان بر قدرت بود که این زرمه ها خفه شد - شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد - تحقق یافت. و اینک با درس گیری از گذشته با بددفاع هزاران زندانی سیاسی، آزادی آنها و جلوگیری از اعدام های غیر انسانی به اقدامات دسته جمعی در تمام سطوح مبارزات در آن -

اقدامات دسته جمعی ما در آن و - بستگان زندانیان سیاسی (که قدمتهای اولیه و مهمی در این زمینه است) در هفته های اخیر شروع شده است. این حرکتها و نتیج حاصله از آن، ولو اندک، نشان داده است که اساس اقدامات ما تا زما زبوده و رژیم را وادار به عقب نشینی های کرده است. از آنجا شبکه این ابتدائی ترین حسی خانواده های زندانیان سیاسی است که بددفاع از فرزندان خویش اقدام کرده و به هر وسیله ممکن بددفاع از آنها برخیزد. بنا بر این حرکت ما در آن، خواهان برادران، شوهران و سایر بستگان زندانی اولین حرکتی طبیعی است که معمولاً در این باره انجام میگیرد. اما روشن است که این بستنهای کافی نیست. ما باید مسئله دفاع از زندانیان سیاسی بیکی از فعالیت های اساسی سازمانهای سیاسی، سازمان های دموکراتیک و سازمانهای کارگری و شوراهای تودیک شود. باید توجه داشت که در چند هفته اخیر هزاران تن از صدیق ترین و مبادرتورترین عناصر مرزمنده از اقلات و طبقات مختلف دستگیر شده اند. بنا بر این دفاع و حمایت از این زندانیان و فعالیت برای آزادی آنها میتواند و باید به حرکت عمومی در سطوح مختلف تبدیل شود. هم اکنون در سطح کارخانه ها چنین حرکتی انجام گرفته است. در مواردی که کارگران برای آزادی رفقای کارگزار خود دست با اعتراضاتی زده اند. طومارهایی تنظیم کرده و مواردی حتی دست با عتاب کوتاه مدت زده اند. در مواردی دیگر کارگران بصورت دسته جمعی (در یک اجتماع ۱۵۰ نفری) به ملاقات با زندانیان که اعضای شورای آنها بوده است رفته اند.

همه اینها نشان میدهد که زمینه های مناسبی برای شکل گیری این اعتراضات و تبدیل آن به جنبشی بزرگ فراهم است. اما نکته ای که در حال حاضر مسئله ای در حرکت های اعتراضی در حمایت از زندانیان - سیاسی است مشخص بودن نقش ارگان های مختلف سرکوب در رابطه با زندانیان سیاسی و اقدامات دسته جمعی برای بسیاری از مردم می باشد. هر چند همه مسئولین مملکتی از شوراهای قضایی گرفته تا مجلس شورا، هیئت دولت، رئیس جمهور، کمیته ها، و دادگاههای انقلاب و حکام شرع همه در این جنایات سهیمند و دست همه شان تا مرفق بخون جوانان مبارز و انقلابی آلوده است. اما برای آنکه فعالیتهای بددفاع از زندانیان سیاسی موثرتر انجام شود لازم است که در حرکتی اعتراضی به نقش و اهمیت هر ارگان توجه کرد. از نظر قانونی مسئولیت مستقیم تمام دستگیریها، اذیت و آزارها، شکنجه ها و اعدامها، همه با شورا عالی قضایی است. تمام اعدا میادرتهران و شهرستانها باید با تأیید شورای عالی قضایی به مرحله اجرا درآید. مطابق ماده واحده ای که اخیراً از مجلس گذشت تمام اعدا و آزارها و دادگاههای

بقیه در صفحه ۱۲

مردم حق شناس ایران چهار رز و الاشی - برای این فرزندان مبارز و از آن گذشته خویش قائل بودیدیم که چگونه بددفاع یکبار چها از این قهرمانان برخاستند و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به جنبش همگانی مردم ایران تبدیل شد شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به شعار عام مردم بدل گردید. مردم ایران هرگز روزهای پرشکوه آزادی فرزندان دلاور خویش را که سالها در سیاه چالهای رژیم شاه به نبرد و مقاومت ادامه میدادند فراموش نمیکنند، زندانیانی که سالها از آزار و شکنجه های آریا مهری را تحمل کرده و به میثاق خلق وفادار ماندند. روزهای که خود طلبیهای آریا قیام خونین و حماسه آفرین ۲۱ بهمن و سرنگونی رژیم شاهنشاهی گردید. و امروز با ردیگردها زندانیان و با زنداشتگاه در تهران و شهرستانها مملو از زندانیان سیاسی گردیده است. و اکنون قلوب - میلیونهای ایرانی و صدها میلیون انسان ترقیخواه جهان بخاطر این مبارزان بی طرد و از سر نوشت آنها، از آزار و شکنجه های که با آنها روا میشود و اینکه هر لحظه جانشان در معرض خطرنا بودی است نگران و مضطرب است. میلیونها مردمی که با این رزمندگان ایران زهمبستگی کرده و میخوانند و صدای خود را با این مبارزان را استقلال و آزادی، با این فرزندان دلیبر خلق و پیشقراولان مبارزات توده ها دفاع میکنند. اما تجربه گذشته نشان داده است که دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه بخاطر آنان موقعی موثر خواهد بود که سازمان یافته و با برنامه باشد. هر قدر این مبارزه دسته جمعی تر، وسیع تر و همه جانبه تر باشد، ثرونتجهاش بیشتر است. به تجربه گذشته نگاه کنیم، عالی که پیش از هر چیز موجب گشت که دفاع از زندانیان سیاسی به جنبش وسیع تبدیل شود، حرکت همگانی و توده ای بود که در تمام سطوح نمود کرد. این دیگر فقط خانواده های زندانیان سیاسی نبودند که برای آزادی فرزندان نشان قیام کردند. دهها هزار دانشجو، صدها هزار دانش آموز این خواست عمومی را مطرح کردند. دهها، سدیگا و اتحادیه کارگری و کارمندی در قطناً همه های خود آزادی زندانیان سیاسی را عنوان کردند و با عتاب عظیم آنان که نیست رژیم را شکست، پشتوانه این خواست بود. مسلماً "اگر حرکت میلیونی مردم که مستحربه آزادی فرزندان خویش از زندانیان نبود، چه بسا دولت جمهوری اسلامی که بی از قیام مردم بر سر کار آمد این مبارزان را در زندان نگه میداشت. و قفلی همه قفلهای سابق اضافه میکرد. چرا که شایسته قدرت خریدگان بعدی قیام از قیام: "زندانی مسلمان آزاد باید

رفتار مزدوران جنایتکار رژیم، - با سداران سرمایه و کمیته های وگسارد زندان با دستگیرشدگان وحشیانه و غیر انسانی است. از همان ابتدای دستگیری اذیت و آزار و شکنجه زندانیان بشدید - تربیوجهی بعمل می آمد. اغلب اتفاق - می افتد که در خیانت تمام افراد یک خانواده، از کودک خردسال تا مادرویدر کهنسال را یکجا به زندان برده اند و پس از آن خانه و زندگی افراد دستگیر شده، وسایل و تومیل و... آنها را تمام حساب کرده اند. شرایط با زنداشتگاهها غیر انسانی و غیر قابل تحمل است. هیچگونه ضابطه و معیار برای برابری با زنداشتگاهها که تنها میتوان آنها را با اردوگاههای فاشیستهای هیتلری مقایسه کرد، حکومت نمیکنند. در تمام طول با زنداشت برای - ارباب زندان، جسمهای اوبسته است و فقط برای نوشتن متن با زجوشی چمنها را بازمیکنند. تا مدتها خانواده رزمندگان زندانی از سر نوشت فرزندان خود اطلاع ندارند. در خیانت پست و جنایتکار با آنها نمیگویند فرزندان، زنان و وسایل شوهرانشان در کجا نگهداری شده، زندانها یا مرده و در چه وضعی بسر میبرند. تازه - وقتی فهم میدهند که بستگان آنها در کجا نگهداری میشوند زدیدن آنها مانند نعمت بعمل آورده و حتی از گرفتن لباس و سایر ما بحتا چندی خودداری میکنند. خلاصه اینکه در خیانت رژیم جمهوری اسلامی روی جانین ما واک را سفید کرده اند!

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با توسل به همان حربه های رنگ زده رژیم شاه، - انقلابیون و مبارزان را "خارباکر"، "ضد انقلاب"، مزدور آمریکا، ... (یعنی آنچه سزاوار روبرو زنده سردمداران و مزدوران خود است) می نامد. در حالیکه همه میدانند که علت دستگیری و اعدام و رفتار وحشیانه با این فرزندان خلق چیزی نیست جز دفاع آنها از منافع و خواست خلق محروم و زحمتکش ما، بخاطر آنست که این مبارزان برای برقراری شورا های واقعی، بهبود زندگی زحمتکشان، دفاع از آزادی و دموکراسی برای خلق و مبارزه با جنایات و مستعربیهای دولت جمهوری اسلامی که تمام دستاوردهای انقلاب را - با بیامال کرده و سلطه ضد انقلابی خود را مسلط کرده و خلاصه بخاطر مبارزه با امپریالیسم و بیابگهای داخلیش قیام کرده اند. - آری جوانان آگاه و مبارز زمین ما بخاطر تحقق بخشیدن چنین آرمانی است که در معرض وحشیانه ترین اعمال دشمنان و آدمکشان رژیم قرار گرفته اند. بسیاری از این زندانیان کمانی هستند که بخاطر دفاع از چنین آرمانی در زمان شاه در همین زندانها، منتهیای زندانیان دیگری زندانی بودند، بخاطر داریم که

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

یادداشت‌های تاریخی

کودتای بی دردرس (۲)

از این رهگذر آنچنان جلب اعتماد کرد که وشوق الدوله او را برای مذاکرات محرمانه و انعقاد قرارداد دبه با دکویه فرستاد. سردار با زکشت روزنامه را به همکاران خود واگذار و بیکراست وارد عرصه سیاست شد.

انتخابات سیدیمشای محلل و مجری کودتا، از این نظر موفق بود که او درسلک اشراف و فئودالها جای نداشت و پس آنرا نترسیتوانست مردم را مغایب قرار دهد، ازتبار روحانیت بود. پس آنرا نترسیتوانست از مذهب بستن و آنرا حربه‌ای علیه افکارمترقی استفاده کند چنانکه درسه سال اول زمانداری رضا خان هم که خود از هواداران شیخ فضل الله نوری بود، مراسم شورا و تکیه و عزاداری جای نظاهرات اجتماع را گرفته بود. رضا خان خود سردمدار مراسم بود، سید سابقه طولانی روزنامه نگاری داشت، رجال را میشناخت، پس آنرا نترسیتوانست با روگردن اسناد و افشاگری با اتهام "خیانت" و "وطن فروشی" رجال ناخرسند را از صحنه دور سازد، و با لایحه طرح قرار داد ۱۹۱۹، کم و کیف سیاست انگلیس را میشناخت و آنرا نترسیتوانست، مجری آن سیاست گردد.

در این دوره تنها انگلیس ها نبودند که به فکر استفاده از افکار مذهبی برای مقابله با کمونیسم افتادند. قبلاً لمان هادرمین زمینیه و اتحاد اسلامی خاورمیانه دست بکار شده بودند. قیام شیخخیا با قیام کوچک خان عضو اتحاد اسلامی، قیام کوچک خان عضو اتحاد اسلامی، قیام شیخسین چاکوتانی (با لار اسلام) و زائرخان تنگستانی (امیرالاسلام) همگی از پشتیبانی سفارت آلمان برخوردار بود اما میدانیم که قیام جنگل (گرچه میرزا کوچک خان تا آخرین دم تسبیح میزد و استخاره میکرد) در روند گسترش تبدیل به مسئله دهقانی شد و تحت تاثیر انقلاب اکثریت قرار گرفت، و قیام خیا با نی منجر به مقابله با استعمار و استبداد گشت و نام آذربایجان به آذربایجان تغییر یافت و روسیه خود مختاری را برانگیخت. از همین رو بود که رجال دولتی بیسه استقبال کودتا رفتند و اشراف و فئودال ها مراغه دخالت انگلیس را میطلبیدند. در سوم اسفند کودتا، در یکشنبه کا رو را بیکره کرد. صبح روز یکشنبه سید ضیاءالدین و رضا خان آخرین مذاکرات را در شاه آباد انجام دادند. قسوا ی انگلیس در کرج مستقر شد تا از درگیری قزاق ها قی که استروین حرکت میکردند با قوای دولتی جلوگیری کند، در تهران توپها را از کار انداختند. وقتی قزاقها به بنگه امام رسیدند، شاه تا زه خبردار شد دستور بازگشت را داد. در حدود نیمه شب قزاقها و اردنهران شدند. کلاکتورها را بدون مقاومت اشغال کردند. منتها کلاکتوری ۶ مدتی مقاومت کرد. آنگاه شلیک مسلسل ها آغازید. چندتوب هم شلیک شد، بدینسان قزاقها به دولت

بی خبر ابلاغ شد. سیهدار (رئیس الوزرا) به سفارت انگلیس پناهنده گشت. فردای آنروز بود که شاه از سمت باقر خان قزاق میبرسید: "شما هرچا به تهران آمدید؟" و جواب میشد: "به منظور تقویت حکومت مرکزی در همان دیدار شاه سیدضیاء الدین را به سمت رئیس الوزرا و رضا خان را به سمت فرمانده قزاقها با لقب "سردار سپه" منصوب کرد.

دوروز بعد از این بیانه سردار سپه با عبارت "حکم میکنم" منتشر شد. در اولین بیانه رضا خان حکومت نظامی تعطیل همه روزنامه ها، ممنوعیت اجتماعات بیش از سه نفر، تعطیل تمام مغازه های شراب فروشی، تشارها، سینما ها، کلوب ها، قمارخانه ها، اداره ها، و ضرورت تسبیح و "اطاعت" کمال از ارتش را اعلان میکرد. همه دریا فتنه که بیانییه املائی سیدضیاء الدین است چرا که رضا خان خواندن و نوشتن نمی دانست. همان روز بسیاری از اشراف و رجال دولتی توقیف دستگیر شدند، حتی هواداران انگلیس نظیر فرماندهان - مصادره اموال آغاز شد. آزادی خواهان و شاگردان مدرسه سیاسی نیز روانه زندان گشتند، برخی را به تبعید فرستادند (ملک الشوری بهار)

۸. سقند نخستین بیانه رئیس الوزرا انتشار یافت. سیدضیاء الدین در توجیه کودتا و دربرنامه آینده دولت جدید میگفت: "این مشروطیت به قیام تسبیح گرانها ترین خون فرزندان ایران." "از عهده مسئولیت برنیا مده، ملت، را به وعده آزادی و استقرار قانون" فریفتند، "هرچ مرج آفریدند تا اصول ملوک الطوائفی قرون وسطای را در جهت "انتفاع شخصی حاکم سازند، همه تقصیر ها به گردن "چند صد نفر اشراف واعیان است که انکار مملکت را به "ارت گرفته اند اینان بودند که خون ملت ما را میکشید و ضحوی را بلند ساز خند و حیات سیاسی واجتماعی وطن را به درجه ای فاسد و تباها نمودند که برای هیچکس هیچ میدیایی نماند. اکنون باید مسبین فلاکت و پریشانی ایران را به پس دادن حساب فراخواند. امروز روزواژگون شدن و انتقام" فرا رسیده است.

قضا و قدر برای ادرست گرفتن "مقدرات و سر نوشت" کشور تعیین کرده است. من در درجه نخست نه به لیاقت خود، بلکه به "فدای بخشنده متعال" اعتماد میکنم. اما برنما من چیست؟ با بدینخت "عمارات متزلزل و لرزانی را که "مفتخواران" در آن "شیا نه" نهاده اند "سرنگون" کرد. با بدیهه آن "اداراتی" که تا پس آنها فقط برای "اشراف و تبعذیر" بوده است و با "قطرات خون توده ملت ایران" تحصیل شده از میان بی رود.

با بد مملکت خود کفا شود و با "موا یسد داخلی خود اداره شود" و برای گردش - دوا یر مفتخواری محتاج به قرض از اجانب

نگردد. "مهمترین وظیفه من "محو نهادن مفتخواری و بنای "امنیت و رفاه" و - استفا ده کارگران از مشقت خویش" خواهد بود. باید "قیمت زحمت و مشقت کارگران و دهقانان سنجیده گشته و دوره فلاکت و بدبختی آنان خاتمه یابد. برای این منظور نخستین گام "تقسیم خالصات و اراضی دولتی ما بین دهقانان و ... وضع قوانینی که زارع را از مالک ارضایی بیشتر بهره مند سازد، و معاملات ارباب با دهقانان تعدیل شود. باید "بنیان عدلیه" ماکه "مرکز فجاجع" است برجیده شود.

با یدا "خلاق" ما بر اساس "تعلیمات ملیه" باشد. باید "سختی و گران" که بر شرفقدان حمل و نقل و "احتکار" و "زینت و تجملات بیهوده" است محو گردد.

اما با بد قبیل از هر چیز "مملکت داری قشونی گردد که دشمنان خارجی داخل را به حساب دعوت نماید. فقط سپاهیان دلبیر قادرند که حیات هستی مملکت را تا زمین نموده و ترقی و سعادت و اقتدار را فراهم سازند. پس قبل از هر چیز و با لایحه مهمه قشون، هر چیزی اول بی قشون و با لایحه برای قشون اما سیاست خارجی ما، ارتباط - دوستانه با همه کشورها تا وقتی که "استفاده نا مشروع" از این مناسبات نکنند. پس باید قزاقها و "امتیازات گذشته مورد تجدید نظر قرار گیرند. بنا بر همین اصول است که الفای قرارداد ایران و انگلیس مورخه "۱" و "۱۹۱۹" اعلام میدارم!

همزمان و هم محتوا بیانه دیگری انتشار یافت. با انشای سیدضیاء و امضای سردار سپه - از جمله میگفت: "این قزاق ها به خاطر مردم و امنیت کشور به تهران آمدند: "همین قوه و افراد بودند که بدون لیاقت، بدون کفایت، بدون غذا، بدون اسلحه کافی، سینه و پیکر خود را سرتوب های - آتش نشان نمودند. ... مشیت کردگار یی - خواست حضرت خداوندی این قسمت را - برای ما تدارک دید." ما تابع حکومتی هستیم که "بیت المال" مسلمان را وسیله شهوت رانی مفتخواران نکند، حکومتی که "سواران عظم مسلمان را مرکز شقاوت ها، کانون مظالم و قساوت سازد" حکومتی در جهت منافع اقلیتی و "برای زینت و تجمل، باعث بدبختی دیگران نباشد، حکومتی که "با زبجه دست ساسیون خارجی نباشد."

در هیچیک از این بیانه ها، سخن از اجرای قانون اساسی نبود. تعطیل وزارت خانه ها، دوا یر دولتی و خاشه گردی و تغتیش عقاید، برای یافتن اسلحه و دستگیری از ادبخواهان (بدون مجوز - قانونی) لازم یر قرار یی و نظم و مینیت نوین بود.

بدلیل خلاهی سیاسی حاکم، و فقدان - اتوریتده انقلابی سراسری، و وجود انفعال سیاسی در بخشی از توده های شهری، بیانییه موثر افتاد. نیل نامه های سیاسی کسبه و اصناف از سروی سوا زیر شد. قول املاجات ارضی، دستگیری فئودالهای سرشناس، - مصادره اموال، دفاع از زنجیر دستان در - برا برشروتمندان، سرکوب آزادیپسا، با زداشت آزادیخواهان، تعطیل مطبوعات، سایه افکنده سیدضیاء در طی سه ماه زماندار خود را، و برای استقرا از - چکه پوشان هموار کرد، اکنون قرارداد ۱۹۱۹ بطور کامل اجرا شده بود.



نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه داخلیش



۱- درباره پارلمان

موضوع پارلمان و پارلمان‌تاریزم، با سخ‌تئوریک - تاریخی خود را در - بلشویزم و تحولات تاریخی - جهان‌نیده‌ی اخیر با زیافته است. هم‌چون دیگر موازید، بلشویزم بر خورد به دودیدگاه‌ها، انحراف‌ی‌در این‌موضوع را بر عهده گرفت: نخست دیدگاه راست‌روانه‌ای که از طریق پارلمان‌بورژوازی میتوان به سوسیالیسم دست یافت. پارلمان‌بورژوازی را نه‌بمنا به‌نهادی که می‌باید بسویله‌نهادی عالیتر، و طبقاتی، یعنی شوراها یا رگ‌ری‌دهقانی کنا رود و نه به‌شیخ‌ان‌بمنا به‌ایزوری - برای پیش برد انقلاب پرولتری، بلکه ه‌ما تا بنهادی عمومی میدهد که بتدریج می‌باید بخود مضمون سوسیالیستی م‌سی گرفت. برای این‌ان شغل مبارزه حزب - طبقه‌کا رگ‌ردریا پارلمان‌های بورژوازی بود. و بنشی جنبش طبقه‌کا رگ‌رنیز در چنین پارلمان‌هایی می‌زد و نه در اعتمادات، نظ‌ه‌رات، اشغال‌ها و بازیگ‌ده‌های خیابانی. این‌ان ه‌نگامی نیز که در پیش‌ک‌رسی‌های خط‌به‌های پارلمان‌های بورژوازی قرار میگرفتند، هیچ‌گاه در مواضع اشغال از خود این‌نهادها قرار نمیکرفتند، بلکه "مثل تمام‌ی‌جوزیه‌های کارخان‌که شامل مطبوعه‌شان هم میشد، در پارلمان بورژوازی به‌شیوه‌دموکراتیک‌ای خ‌ده - بورژوا عمل میکنند (میکردند) که فقط استعدادی ع‌زمی و دولتی دارند و کاملاً به طبقه‌سرمایه‌دار وابسته‌اند." (۱)

در سوشی‌دی‌ک‌رگ‌رویی از انقلابیون قرار داشتند که مخالفت خویش را بسا دموکراسی بورژوازی و پارلمان‌تاریزم، تا مخالفت با استفاده از پارلمان - بورژوازی به‌بمنا به‌ایزوری‌در س‌ت‌س‌ای پیش‌بردا انقلاب پرولتری و بمنا به‌پلات - فرمی‌برای کار کمونیستی میدیدند. - این‌ان با حرکت از این‌ت‌ز‌اصولی‌ک‌سه "ع‌زمی‌برای پارلمان‌تاریزم بورژوازی - بس‌ر آمده‌است."؟ چنین نتیجه‌میکرفتند که از ن‌یاده‌های بورژوازی و از جمله از - پارلمان‌شان، چنان‌با‌ب‌ب‌د‌دوری‌گزید‌ک‌سه نکند که برای بس‌س‌اش آلوده‌ان‌شان کند این‌ان آنچه را که از لحاظ تاریخی ص‌ولی بود (و هست)، در لحظه کنونی "نیز عملی میدیدند (ومی‌بینند).

در پاسخ این‌ان، لینینیم، منجم - ترین مواضع را اتخاذ کرد.

نخست - پرولتاریا در پی‌کا طبقه‌اتی بنا‌ب‌دا و بهره‌بردن از ن‌یاده‌های بورژوازی و از جمله پارلمان بورژوازی، به‌پ‌را‌سه، دست‌بس‌کشیدن از هر چه غیر خودی است، سکتاریسم است و بس. و در تاریخی جنبش‌کا رگ‌ری، حتی یک نمونه نمیتوان یافت که جریانی با چنین باوری توانسته باشد، رهبری پرولتاریا را در ح‌ول‌ج‌تماعی را بکف آورده باشد. آنچه که ما من‌خواست یک حزب پرولتری از غلتیدن به‌دا من‌بورژوازی و بس‌ر‌س‌اری بر آستان‌ان‌ش‌است، نه در خود پرولتران، بلکه داشتن آن‌چنان م‌شی رهبری انقلابی است که آ‌ب‌ب‌ده‌شده در شیوه‌های گوناگون مبارزه طبقه‌اتی، بتواند مواضع اصولی را در قب‌ال مراحل معینی مبارزه طبقه‌اتی اتخاذ کند. چنین رهبری انقلابی‌تی تنها مبارزه‌را در کلیت‌اش نیافته، ظرفیت آنرا نیز خواهد داشت که در هر چرخش رویدادها شعارها

دربارهٔ مجلس مؤسسان

مشخص‌نا‌کتیک‌های مشخصی را اتخاذ کردند بیانی از لنین گویای این مطلب است: "تاریخ عموماً "تاریخ انقلابی‌ها خصوصاً همواره پر مضمون تر، جامع‌تر، زنده تر و ع‌کا رتر از آن است که بهترین احزاب و آ‌گا‌ه‌ترین پیش‌آهنگ‌های پیشروترین طبقات می‌پندارند. علت آن‌هم‌واضح است، زیرا بهترین پیش‌آهنگ‌ها، ترجمان‌ش‌ع‌ور و ر‌اده‌و شعور و تخیلات دهها میلیون نفری که در این مبارزه بین طبقات آنها راه تکان آورده‌است، در لحظه‌تی که کلیه‌استعداد‌های بشری در حال اعتلا و شدت خاصی است، عملی می‌سازند. از اینجا دو نتیجه عملی بس‌ی‌ا مهم بدست می‌آید: نخست آنکه طبقه انقلابی برای اجرای وظیفه خودی‌ا بدیتوانند بدون کوچکترین استثناء بر کلیه شکل‌ها یا جهات فعالیت اجتماعی مسلط گردد (و بس‌ا از تصرف قدرت سیاسی آنچه را که قبل از این تصرف تا تمام‌گذارده بودی‌ا تمام‌س‌ر‌ما‌ند و در این مورد گاه به‌سه‌مخاطرات بزرگ هم‌تن‌دردهد)، دوم آنکه طبقه انقلابی‌ا بدی‌برای تغییر و تبدیل - بس‌ی‌ا سریع و ناگهانی یک شکل به شکل دیگر آماده‌باشد." (۲)

همان‌ل‌نین نقش رهبری انقلابی را در بهره‌بری از موازید گوناگون مبارزه و نیز تسلط پرولتاریا بر مبارزه‌های بورژوازی‌در پیش‌بردا انقلاب پرولتری، این چنین توضیح میدهد:

"همه‌کس با این نکته موافق است که ارتشی که خود را برای تسلط بر انواع - سلاح‌ها و کلیه موازید و شیوه‌های دشمن برای مبارزه در دست‌دارد یا ممکن است بدست‌آورده‌ان‌ده‌تکنند، رفتارشان ناخردانه و حتی تبهکارانه است. این امر در مورد سیاست‌بیشتر ما دق است تا در امور جنگی. در سیاست خیلی کمتر میتوان از - پیش اطلاع حاصل کرد که در فلان یا بهمان شرایط آ‌تی چه وسیله‌مبارزه‌برای مس‌ا قابل بکار بردن و مفید خواهد بود. اگر ما بر تمام موازید مبارزه مسلط نباشیم و تغییراتی که مستقل از اراده‌ما در وضع طبقات دیگر روی میدهد، آنچنان شکلی از فعالیت را در دست‌وروز قرار ده‌ک‌سه‌ما - بس‌ی‌ه‌ده‌ان ضعیف هستیم، آن وقت ممکن است به شکستی عظیم - و حتی گاهی قطعی دچار گردیم. ولی در صورت مسلط بودن بر کلیه موازید مبارزه، چون‌ما تمام‌ب‌ب‌س‌ده‌منا‌ف‌ع طبقه‌وا‌ق‌ما "پیشرو و و‌ا‌ما" انقلابی هستیم، حتی اگر اوضاع و احوال هم‌ما‌اجازه ندهد سلاحی را بکار بگیریم که بیش از همه - برای دشمن خطرناک و سریع تر از همه - ضربات مهلک بر وی وارد می‌سازد، بس‌از بقینا "پیشرو خواهیم‌شد." (۳)

دوم، ما در داشتن تجربه بلاواسطه بوده‌ها و نتواندن (ع‌زمی انقلابی) بجای تجربه مشخص بوده‌ها ست که بخشی از جوهر بس‌ر بلشویزم را در بر خود دارد و بس‌یل مبارزه از جمله پارلمان تشکیل میدهد. این تنها تبلیغ و ترویج پیش‌آهنگ نیست که شیوه‌های

پرولتری را (و از جمله قش‌ا رسیا ر عقب - مانده آنرا) در برابر سرکوب طبقات حاکم، بس‌قا و مت‌می‌شک‌اند، نه، این‌ان با بد تجربه عکس‌ی خویش را نیز در پی‌کا طبقه‌اتی برای کنا رگ‌ذاشتن وسیله‌ای از موازید مبارزه‌داشته‌باشند. موضوع اشغال‌ده‌ایز پارلمان‌های بورژوازی نیز جدا از این نمیتواند باشد. "شده‌ها به تجربه عملی بنا‌ب‌دا‌رند و تنها از طریق این تجربه عملی است که به‌ما هیت و ا‌ق‌می‌پارلمان‌تاریزم بورژوازی پی‌خواهند برد. و در این رهگذر، تنها کاف‌ی نیست که پیش‌آهنگ طبقه‌کا رگ‌ری‌ما هیت‌شی‌ا‌ده‌ان‌این‌نهاد بورژوازی‌اش‌ا واقف‌باشد، بلکه پرولترهای عقب‌مانده نیز با بد تجربه خویش ما هیت‌د‌غ‌ل‌کارانه‌پارلمان بورژوازی را با زشتی‌ما‌سی‌گوشید‌د‌غ‌ل‌کارانه، می‌گوشیم‌شی‌ا‌ده‌ان، - چرا که در سلسله‌ن‌یاده‌های بورژوازی، نمی‌توان‌ن‌ی‌ا‌چون‌پارلمان یافت‌ک‌سه بورژوازی در طول تاریخ خود، تا این حد در "غیر طبقه‌تی نشان‌ده‌ان‌دانش‌در" ما و ای طبقه‌تی نشان‌ده‌ان‌دانش‌در "ملی‌نشان‌ده‌ان‌دانش‌در" دموکراتیک نشان‌ده‌ان‌دانش‌ا‌ه‌ما مورزیده‌باشد. نه‌می‌توان‌ن‌ی‌ا‌چون‌پارلمان بورژوازی، در این - زمین‌ه، هم‌سنگ یافت.

شده‌های پرولتاریا، حتی اقسا ر - بس‌ی‌ا ر عقب‌مانده‌ان، نقش‌ارتن‌را، ارتش بورژوازی را میتوانند بس‌ا‌د‌کی‌لمی‌کنند، توپ و تفنگ‌ن‌ی‌ا‌سرکوب‌بروشی‌ما‌ب‌سل رویت‌است، اشغال‌آفرینی توسط این‌نهاد، بخوبی ملموس است. "زردپوشان" را در خیابان‌ها میتوان سراغ گرفت. اما پارلمان بورژوازی با "رای‌همگانی‌اش"، با رای مخفی‌ش‌و‌با "رای‌مستقیم‌ش" با تریبون و کرسی خط‌به‌اش و با اخلاق بورژوازی، ش‌ه‌فریبنده‌بنظر می‌آید! و هم‌از این رو زودن توهمات کارگران و زحمتکشان نسبت‌با‌این‌نهاد، توش‌و‌توانی بس‌ا‌می‌طلبید، و تنها در تجربه عملی، زمان‌یک‌ه‌تی‌ح‌تی‌ا‌ق‌ش‌ا ر عقب‌مانده - پرولتاریا را و س‌را‌تی‌ها و د‌غ‌ل‌کار‌ها و دوز و کلک‌های بورژوازی را دیدند، است، که به "خواندن فاتحه بر سر قبر مرحوم" - پارلمان‌خواهند رفت و به ضرورت سیادت‌ن‌ی‌ا‌دی‌دموکراتیک‌تر، طبقه‌تی‌تر، و از لحاظ تاریخی پیشرو یعنی شورا‌های کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهرده، پی‌خواهند برد. لنین تجربه بلشویک‌ها را در این زمینه چنین بیان میکند:

"وظیفه‌ما این است که خود را تا - سطح‌شده‌ها، تا سطح‌ش‌های عقب‌مانده - طبقه‌نزل ندهید. در این امر تردید نیست. شما موظفید حقیقت تلخ‌را با ن‌ی‌ا‌ب‌گو‌شید. شما موظفید خرافات بورژوازی - دموکراتیک و پارلمان‌طلبانه‌ان‌تا‌ن‌س‌را خرافات بنا‌ب‌مید، ولی در عین حال شما موظفید هشیا را نه س‌را‌قب و وضع‌ا‌ق‌می‌آ‌گاهی و آ‌ما‌دگی تمام طبقه (نه‌ا‌ب‌نگه‌تن‌ها پیش‌آهنگ کمونیستی‌ان) و تمام‌شده‌زحمتکش (نه‌ا‌ب‌نگه‌تن‌ها آفراد پیشروان) با‌شید." (۴)

لنین حتی برای زمان پس از کسب حاکمیت توسط پرولتاریا نیز به‌ت‌زودن توهمات توده‌ها (عادت‌ان‌ان) از طریق تجربه عملی حوشان معتقد بود. بی‌ش‌ی قیام‌اکتبر هر چند در ولین‌گا در بس‌ن بس‌ی‌ا‌ری از رهبران حزب کمونیست (بلشویک) بقیه در صفحه ۱۰

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

درباره مجلس مؤسسان

دموکراتیک انقلاب روسیه، در کنار ملی کردن زمین و برقراری ساعات روزانه کار ۸ ساعت، میگریست.

در فاصله بین دو انقلاب فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ بلشویزم پرچم فراخوانی مجلس مؤسسان را همچنان برافراشته نگاه داشت اما درک بلشویک ها از برپایی مجلس مؤسسان نه درکی محصور در چهار چوب - دموکراسی بورژوازی و برخاسته از حقوق بورژوازی و یا جدا از مینا زده طبقاتی و توازن نیروها و طبقاتی بود. آنچه موضع بلشویک ها را از موضع منشویک ها واس - ارهای راست، در برخورد به مسئله مجلس مؤسسان متمایز میساخت، نخست همانا درک بلشویزم از مجلس مؤسسان هر چند بحثا به عالی ترین شکل دموکراتیک - بورژوازی، اما در قیاس با دموکراسی شورائی، یعنی، شورائی که با زتاب برپایی تنها در چگونگی شورائی کارگران و زمینگشان است، نهادهای عقب مانده را می نمود، بود. هم از این رو بلشویک ها بجز خفا ای نیز در زمینه سازی ایجاد، تقویت و اعمال هر موقتی انقلابی پرولتاریا بر شوراها، در تنگ نکردند.

"سوسیال دموکراسی انقلابی، در همان حالیکه خواستار تشکیل مجلس مؤسسان بود، از همان آغاز انقلاب ۱۹۱۷ بکرات خاطر نشان میساخت که جمهوری شوراها نسبت به جمهوری معمولی - بورژوازی، دارای مجلس مؤسسان شکل عالی تری از دموکراتیک است.

جمهوری شوراها یعنی بنیادگرایان کارگران سربازان و دهقانان برای انتقال از نظام بورژوازی به نظام سوسیالیستی و نیز برای دیکتاتوری پرولتاریا، نه تنها شکلی از نوعی استریموسات - دموکراتیک است (نسبت به جمهوری معمولی بورژوازی که مجلس مؤسسان بر طرف آن قرار دارد)، بلکه یگانگی شکلی است که میتواند انتقال به سوسیالیسم را به بیدارترین نحوی تا مین نماید."

دومین وجه افتراق بین نظرگاه بلشویزم از یک سو و آنچه که گاه در آن - ارهای راست و منشویک ها با آن باور - داشتند، در چگونگی برپایی مجلس مؤسسان بود. اینکه فراخوانی مجلس مؤسسان بر زمین سرتوکی نظام بورژوازی و توسط دولت موقت انقلابی و در فرای انتقالی صورت گیرد و صفت نظامی نوپن را داشته باشد و آنچنان از اراده توده های انقلابی زمینگشان را بازنمایانند که براساسی زمینگشان "موسسان توده ای" باشد. یا نه، تنها نقش مکمل ارتش و پرورگرای کهنه را بردوش گیرد. بلشویزم هر چند هم صدا با کادتها، اس ارهای راست و منشویک ها فراخوان مجلس مؤسسان را سر میزد. و از این امر نمی هراسید. اما وجوه افتراق نظرگاه خویش را در این مورد بیرونی بیان مینمود:

"این حزب دموکراتیک (لیبرال) از حاکمیت مردمی هراسد، در حالیکه شما بمانی یعنی مجلس مؤسسان توده ای را تکرار می کند، در حقیقت معنی مفهوم آنرا یکسره دگرگون میسازد و با استفاده از بدست توده ای استفاده از این شعار، مردم را به بنیاد نه می کشد. مجلس مؤسسان توده ای چیست؟ - مجلسی است که در وهله اول، براساسی اراده مردم برپا می کند. بدین منظور، وجود حق رای همگانی در کلیه جوانب دموکراتیک و تضمین کامل آزادی مینارزه انتخاباتی

بقیه از صفحه ۹

روسیه، عمدتا "پندارهای حقوقی - بورژوازی را نسبت به نهادهای بورژوازی و از جمله و در تارک آنها مجلس مؤسسان، دگرگون ساخت، اما بودند کسی که از همان اوان پیروزی انقلاب هرگونه فراخوانی را برای برپایی چنین نهادی، رد می کردند. لنین در این باره می گفت:

"حتی چند هفته قبل از پیروزی جمهوری شوروی وقتی پس از این پیروزی شرکت در پاریس، بورژوا - دموکراتیک نه تنها به پرولتاریای انقلابی، زیانی نمی رساند، بلکه تسهیلاتی هم برای وی فراهم میسازد که بنیاد نهادهای عقب مانده تا بهت نما یکدیگر را چنین پاران - ها می مستحق برانداختند. چنین شرکتی موفقیت در برانداختن این پارلمانها و "کهنه گویی سیاسی" را نشان می دهد. بورژوازی را تسهیل می کند." (۸)

سوم: با ورود اشن با این امر که عصر پارلمانتاریزم بورژوازی بسر آمده است که خود مفهومی از لحاظ تاریخی درست است، اینان را به در پی راه گیری برای پاریس بنا به ابزاری در راستای پیشروانقلاب میکشاند. اینان را از امر بهره گیری از پلانترم پارلمان برای کارگمونیستی، بلاواسطه با ورود اشن به پارلمانتاریزم و گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم این که گویا این گونه بهره گیری از پارلمان بمعنای اعتقاد به دست یابی به سوسیالیسم از طریق نهادهای بورژوازی است را، نتیجه میگیرند. اعتقاد درستی اینان به سرآمدگی عصر پارلمانتاریزم بورژوازی، و در عملی نهادهای حقوقی نیز پیش میزنند آنچنانکه بعدها معلوم شد. حتی تا رد کاردن درون اتحادیه های کارگری نیز پیش رفت، چرا که گویا کارگران در این چنین نهادهای جز "اتلاف وقت برای پیش آهنگ پرولتاریا، چیزی در برنندارد. لنین در پاسخ اینان چنین می گفت:

"پارلمانتاریزم از لحاظ تاریخی "کهنه شده است. این مطلب از نقطه نظر تبلیغات صحیح است. ولی همه کس می دانند که از این امر تا غلبه عملی بر آن - هنوز خیلی راه است. سرمایه داری را از دهها سال پیش از این ممکن بود و با حق کاملی هم ممکن بود از لحاظ تاریخی کهنه شده، اعلام نمود، ولی این امر به هیچ وجه لزوم مینارزه بسیار طولانی و بسیار سخت را بر زمین سرمایه داری منتفی نمی سازد، اینکه پارلمانتاریزم از لحاظ تاریخی کهنه شده است، به مفهوم جهانی - تاریخی است، معنی عصر پارلمانتاریزم بورژوازی سببی شده است و عمر دیکتاتوری پرولتاریا آغاز گردیده است. در این تردیدی نیست ولی مقیاس جهانی - تاریخی، دهها سال را در نظر میگیرد. ده - بیست سال زودتر از نقطه نظر مقیاس تفاهوتی ندارد. و از نظر تاریخی جهانی موضوعنا چیزی است. و بهمین جهت اعتقاد به مقیاس جهانی - تاریخی در مورد سیاست عملی، فاحش ترین خطای تشویک است." (۹)

۲- انقلاب اکتبر

مجلس مؤسسان

فراخواندن مجلس مؤسسان بحثا به عالی ترین با زتاب یا شکل دموکراتیک بورژوازی، از بدو تشکیل حزب سوسیال دموکرات کارگری سرار روسیه، یکی از مغالیه ها در حزب را تشکیل میداد. لنین نیز از سال ۱۹۰۵ به این سوکارا "به فراخوانی مجلس مؤسسان در برنما مسه جزید بحثا به یکی از سه وظیفه محوری -

لازم است. در وهله دوم بین مجلس در بنیان گذاردن یک نظم سیاسی که حاکمیت مردم را تا مین کند، براساسی دارای قدرت و اختیارات چون روز روشن است که بدون این دوشیط، مجلس مؤسسان نه واقعاً - توده ای و نه در حقیقت مؤسسان میتوانند باشد.

تا برینجا طعنه تا بهت میکند - انتخابات آزاد نمیتواند وجود داشته باشد، توضیح اهمیت و خصوصیت چنین انتخاباتی به همگی مردم مگان پذیر نیست، مگر آنکه دولت انقلابی موقت جا بگزین دولتی شود که با انقلاب در جنگ است." (۸)

اینکه مجلس مؤسسان بر زمین سرتوکی بورژوازی و محاف تمام ای ابزار سرکوب - بورژوازی (ارتش و پرورگرای) و بحثا به مکمل ملیش مردمی برپا خواهد شد و یا به دمل نظم پیشین، طریقه ای و شیرینی پال و کوبالی خواهد بود و کده وظیفه ای در برابری خود نخواهد داشت جز تطهیر آنچه که مانده است و گویا مانده ای است، را نیز با بیدار - همین وجه افتراق است:

"اینکه یک مجلس مؤسسان نامیده شود با نام ایندگان مردم که با رای همگانی، برای بر مستقیم و مخفی آنان گزیده شده اند و در آن شرکت کنند و از آن انتخابات واقعا تا مین شده باشد، کفایت نمیکند. علاوه بر تمام این شرایط، باید مجلس مؤسسان قدرت و امکانات مادی تا مین ساختن های نوین را داشته باشد. در تاریخ انقلابات نمونه های از مجلس های با صلاح مؤسسان وجود دارد، در حالیکه در واقع قدرت مسانی و قدرت واقعی در دست این مجالس نبوده، بلکه حکومت استبدادی پیشین این قدرت ها را در دست داشته طی دوران انقلاب - آلمان سال ۱۸۴۸ چنین بود و بهمین سبب نیز "مجلس مؤسسان" این دوران، پارلمان - مشهور فرا تکفورت، شهرت نه چندان خوش نام، میبذلد را کسب کرد. این مجلس به پرگوئی در مورد آزادی میپرداخت، قوانین در مورد آزادی وضع نمیکرد، اما جهت مدای آن نهادهای حکومتی که این آزادی را از میان میبردند هیچ اقدامی نمیکرد، (پس) کاملاً طبیعی است که این مجلس بنیادی - حرفه ای بنیادی بورژوازی لیبرال - خائفا نه صحنه ارتکاب کند." (۹)

غناهی تجربی بلشویزم در طول بیش از - با زنده سال مینارزه طبقاتی، خودمؤید - این مطلب است، این که براساسی قدرت واقعی در حاکمیت مردم به تجربه درمی یابند که اگر پشتوانه نمایانندگی مردمی قدرت کامل مینا شد، اگر حکومت موجود آنرا فرا خواهد نهادهای خودی حکومت نیز در جوار نمایانندگی مردمی، دست نخورده باقی مانده باشد، آنگاه نمایانندگی مردمی هیچ نیست. آنچه که آهنگ و قیام آنرا در دست روز قرار میدهد، این با آن نحوه تنظیم قوانین، قانونا مانی نیست، بلکه مسئله قدرت واقعی است. میتوان قوانین و منتخبینی داشت، اما اگر آنها قدرت را در دست ندهد، آنها به هیچ هستند. این موزایی است که دومای کادتها به مردم ما موخت. بنا بر این بر زمین (قبر) دومای در حوم سرود مرگ او را سورهیم و از درسی که این دوما به ما موخته، آنها بت استفاده از این مائیم" (۱۰)

سومین وجه افتراق بین دودیدگاه را در پیش شرطسهای ضروری برپایی مجلس مؤسسان توده ای باید جست. بلشویزم بر این باور بود که تنها فرزونی تعداد شورائی کارگران و زمینگشان و نیز مسلح کردن توده های زمینگشان است که میتواند برپایی مجلس مؤسسان واقعاً توده ای را مینا شود. هرگاه شوراهای - انقلابی کارگران و زمینگشان، میتوانند، با مسلح کردن توده ها، "خلائانی از سر -



در بارهٔ مجلس موسسان

بقیه از صفحه ۱۰

نگونی نهاد های بورژوازی را برکنند، آنگاه فقط آنگاه، مجلس موسسان می تواند نسبتاً به بزرگی در یک دور انقلابی در راستای استقرار نظام شورایی بکار آید، و در غیر این صورت، یعنی هرگاه - مجلس موسسان نتواند نسبت به چنین نقشی پاسخ مثبت دهد (آنچنانکه در تجربهٔ پس از قیام اکثریت در روسیه روی داد)، با زایل شدن شوراهای انقلابی اندکه توان انحلال آن ها بگزین کردن خود را بجای خود خواهند داشت، (آنچنانکه در تجربهٔ پس از قیام - اکثریتی روی داد).

از همان بدو انقلاب، در مورد مجلس موسسان دو نظریه وجود داشت. سوسیالیست - رولوسوینترها و منشویکها که عمیقاً "غرق در پندارهای" مشروطه طلبانه بودند، واقعاً بیع رابا همان اطمینان یک خرده بورژوازی - می نگریستند، خرده بورژوازی که نمایی خواهد کلاسی در مورد مبارزه طبقه تسمی بشنود. مجلس موسسان اعلام شده است، - مجلس موسسان تشکیل خواهد شد، همین و بس! هر که خواهان بیش از این است، اسپرشیطان شده! منشویکها میگفتند: فراخوان مجلس موسسان و موقعیت اعمال آن تنها زمانی تعیین خواهد شد که شوراهای نیرو و قدرت خود را تحکیم بخشند. منشویکها و موسسین رولوسوینترها مرکز ثقل عملیاتی را بر عمل قضا فی فراخوان مجلس موسسان، روبرو نمودند. علامت آن منتقل ساخته بودند، منشویکها بعضی مرکز ثقل را در مبارزه طبقه تسمی نهاده بودند؛ اگر شوراهای پیروز شوند، تشکیل مجلس موسسان تعیین شده خواهد بود، و غیر این صورت برای این کار تضمینی نخواهد بود. (۱۱) در فاصله بین آوریل و اکتبر سال ۱۹۱۷، لنین با رها بر این امر که - این تنها رهبری منشویکهاست که قادر به ضمانت پویایی مجلس موسسان، بدون لحظه ای درنگ است، پای فشرد. منشویکها همزمان با فراخواندن مجلس موسسان مصماً به در راستای اعمال هژمونی خویش بر شوراهای که در آن زمان بر نفوذ منشویکها و سایر رها بودند، گام بر میداشتند. در آوریل ۱۹۱۷، لنین مواضع نیروهای سیاسی موجود در روسیه از جمله منشویکها را در برابر این سوال که "آیا باید مجلس موسسان را فراخواند، چنین فرمول بندی کرد:

الف - طبقه طبقات را ست کادتها، - به، چرا که مجلس موسسان نمیتواند برای - ملاکین بزرگ زمین آوری شده، دهقانان - بخوبی نمیتوانند در مجلس موسسان چنین تصمیم گیرند که تمامی اراضی ملاکین را - مما دره کنند.

ب - کادتها، ببله، اما بی آنکه - تاریخی برای آن تعیین کنیم، با ید این موضوع از طی مدتی هر چه طولانی تر - باشد، قضاوت قضاوت و آگدا ریم، زیرا - ۱ - هما نگونه که بنا، پیش از این گفته، - قضاوت مرجع ترین افراد هستند - ۲ - تجربه تمامی انقلابها بما می آموزد که همین که آرای مردم را بدست دانشمندان بسپارید، آزدست میروند.

ج - سوسیال دموکراتها و سوسیال - رولوسوینترها، ببله، و هر چه سریع تر باید تاریخ آنرا تعیین کرد، ما در کمیسیون - ارتباطات صدها بار در این باره سخن گفته ایم، و فردا صبح برای صدیکمین بار سخن خواهیم گفت، تا نتیجه قطعی این مسئله روشن شود.

د - منشویکها: ببله، هر چه سریع تر، اما یگانگانه من موفقیت مجلس موسسان - و فراخوانی آن در افزایش تعداد دشوارها و تحکیم نیروهای آنست (شورایینما بند - کان با رگران، سربازان، دهقانان و غیره)

سازمان ندهی و تسلیح توده ها: این است یگانگانه من، (۱۲)

برای منشویکها، فراخوانی مجلس موسسان، تنها در راستای مبارزه برای - کسب قدرت، معنای یافت و هم از این رو هر کجا که سخنی از مجلس موسسان - می آمد، بی درنگ شعار شوراهای زمین - صلح بمثلاً با اجزاء دیگر بر ملازمه - مطرح میشد. چرا که آنچه برای رهبری انقلابی مطرح بود، همانا تسریع شکل گیری عنصر ذهنی انقلاب پرولتری بود و بس. از همین رو منشویکها در مجلس موسسان را به مثابه بزرگی در راستای شکل بخشیدن به تشکل طبقاتی پرولتاریا و توده های انقلابی زحمتکش در نظر میآورد. نکته دیگر، مسئله یگانگانه من و نیروها در خود مجلس موسسان بود.

بوخارین در خطباتی که در نوامبر ۱۹۱۷ ایراد کرد، ضمن فراخوانی مجلس موسسان برای مبارزه با رها، فشرده که در مجلس موسسان برپا شده، کادتها را جانی نخواهد بود. منشویکها برای مبارزه با رها بودند که در مجلس موسسان، منشویکها و سایر رها، هیچ اکثریت چشم گیری را از آن خود نخواهند کرد.

آ - حد صفا تسمی را ید دهندگان به ۱۸ سال بلافاصله پس از قیام اکثریت، این بروشنی، رومورد انتخابات مجلس موسسان هشدار داد. خواست لنین این بود که: ۱ - حد صفا تسمی را ید دهندگان به ۱۸ سال کاهش یابد، ۲ - در لیست انتخاباتی کاندیدها که آئینش از قیام اکثریت تهیه شده بود، - تجدید نظر شود، ۳ - مواد آن کو ریفلو کادتها از آن انتخاب شدن محروم گردند.

از انتخاب شدن محروم گردید، بمنظور زمینه سازی تحقق این خواستها، لنین تقاضای تعویق زمان فراخوانی مجلس موسسان را نمود، اما دیگر هبران منشویک، همچنان بر برپایی سریع مجلس موسسان اصرار میورزیدند. چرا که بزعم اینها منشویکها نباید آنچرا که برای دولت کراسکی گناهی کبیره منسابند، یعنی تعویق برپایی مجلس موسسان را خود مرتکب شوند، بخورد - لنین به چنین رها، بی چنین بود:

"هرگونه تشبیه، مستقیماً غیر مستقیم بمنظور اینکه بموضوع مجلس موسسان از - جنبه صوری قضا، و در فاصله دموکراسی - عادی بورژوازی و بدون در نظر گرفتن مبارزه طبقه داخلی و جنگ داخلی نگریسته شود، خیانت به راه پرولتاریا و پیوستن به نظریه بورژوازی است. بزحرف دانشمند همه و هر کس از این اشتباهی که معدود آرزو منشویکها، بعینت عدم توانایی در برولتاریا بی قیام اکثریت و وظایف دیگر است، پرولتاریا بدان دچار میشوند، وظیفه - بلاشرط سوسیال دموکراسی انقلابی است. یگانگانه من برای تحمل بدو در بحرانی که در نتیجه عدم مطلقاً بقت انتخابات مجلس موسسان با اراده مردم و همچنین با منافع طبقات زحمتکش و استثمار شونده بوجود آمده است، عیار رست از اجرای هر چه - وسیع تر حق تجدید انتخابات مجلس موسسان از طرف مردم پیوستن خود مجلس موسسان به قانون ماده را از طرف کمیته اجرائیه مرکزی دربار این تجدید انتخابات و اعلام بلا قید و شرط شنا سائی حکومت شوروی انقلاب شوروی و سیاست آن در مورد مسئله صلح، زمین و کنترل کارگری از طرف مجلس موسسان و پیوستن قطعی مجلس موسسان به قزارگاه مخالفین فدائی انقلاب کادتسمی کادتسمی." (۱۳)

لنین در باره بر سور دولف که همچنان بر فراخوانی بلادرنگ مجلس موسسان اصرار میورزید، می گفت: "بگذارید او را بشنوم که انقلاب بهای من فراخوانی سریع رها

مرگ خویش نبردازد، بهر رو انتخابات انجام گرفت و ۷۰۷ نماینده منتخب، اسرارها بر است عملاً اکثریت را بدست آوردند (اسرارها - های راست ۲۷۰ کرسی از مجموع ۷۰۷ - کرسی) و منشویکها تنها ۱۰ کرسی را از آن خود کردند (۱۲۵ نماینده) اما این ارقام را نمیتواند بگونه ای حسابی منظور داشت، و پراکنندگی و تمرکز، حمایت و عدم حمایت از کادتها، نندیدای منشویکها را در رابطه با مناطق جغرافیائی، برای تفسیر ارقام در نظر نیاورد. مثلاً میزان رای منشویکها در شهرهای بزرگ، برابر رای اسرارها - های راست و برابر رای منشویکها بود (مجموع نمایندگان در مجلس ۶ نفر - بود) این خود نمایی با نگرش عیناً صریحی حامی منشویکها بود که عمدتاً "میشد آنها را در میان پرولتاریای صنعتی یافت.

اما دلایل عمده برای چنین نتایج انتخاباتی که ملا روشن بود، انتخابات مجلس موسسان بهر آن گسترده تر از - انتخابات شوراهای برگزار شده بود، در حالی که در انتخابات دومین کنگره شوراهای سراسری روسیه، بیست میلیون نفر شرکت کرده بودند، تعداد شرکت کنندگان در - انتخابات مجلس موسسان بیش از ۴۰ میلیون نفر بود، و اگر چه اسرارها بر است در میان توده های غیر پرولتری، اکثریت را در دست داشتند، اما هژمونی اینان، هژمونی کیجسری سیاسی و بی تصمیمی خود بورژوازی شهرها و میشلونها دهقان بود که دورتر از شهرهای بزرگ زندگی می کردند در صورتیکه در سوی دیگر آرای منشویکها با زتاب: ۱ - حمایت پرولتاریای صنعتی، ۲ - تقریباً "نیمی از نیروهای مسلح، و ۳ - حمایت چشمگیر در زمانومکانی تعیین کننده، یعنی زمان انقلاب و مکانی چون شهرهای بزرگی چون پتروگراد، دوماستو و جیسه های نزدیک به مرکز زبرنا - منشویکها بودند.

در ۱۳ دسامبر، بر او، تزه های لنین را در باره مجلس موسسان انتشار داد. - لنین موضع منشویکها را در قبایل مجلس موسسان این چنین آورده بود که سوسیال دموکراسی انقلابی کزارا "و از آغاز انقلاب ۱۹۱۷ اعلام داشته که جمهوری شوراهای، مرتبه بالاتری از جمهوری بورژوازی حتی در دموکراسی تیک ترین نوع است، و نهادهای چون شوراهای برتر و پیشرفته تر دموکراسی تیک تر از نهادهای چون مجلس موسسان است که بر تارک دموکراسی بورژوازی قرار دادند. نیز در نوشته لنین آمده بود که انتخابات مجلس موسسان نما با نگرش توده های مردم نبوده، چرا که پس از قیام اکتبر، توده های بروشنی بچپ گرویده بودند، در صورتیکه نتایج انتخابات مجلس موسسان با زتاب این واقعیت نبود، آرزوی جنگ داخلی، نبردهای طبقه را به عریان - ترین شکل خویش کشانده بود و این مبین این نکته بود که دیگر نمیتواند دنبال راه های قانونی برای حل بحران هائی که انقلاب با آن روبرو بود شنا فت، آزدید. گاه لنین، اگر مجلس موسسان قدرتشوار (که نشأت پرولتاریا بر سیاست هائی انقلاب در باره صلح، زمین کنترل کارگری بر - تولید، نگذارد (که نگذاشت)، آنگاه بحران موجود در رابطه با مجلس موسسان، تنها - میتواند از طریق انقلابی و آنهم توسط شوراهای که بر توان ترین، پرشتاب ترین و منجم ترین ابزار را در دست داشتند حل شود، (که شد).

لنین به عا مل را در راستای توضیح ضرورت انحلال مجلس موسسان پیش نهاد: نخست آنکه مجلس موسسان، با رلمانسی بورژوازی است که بدل به ثقل تمرکز

باهمه نیروی و با استفاده از تمام امکانات به دفاع از وزمنندگان اینمورد دست درخیزیم

بقیه از صفحه ۷

انقلاب بدادگتری الحاق گردیدند و همه زیر نظر شورایی قضائی که دادستان - آن ربانی املشی ورئیس دیوان کشور موسوی اردبیلی است و مقرآن در کاخ - دادگستری در تهران قرار دارد، می باشد. اما از طرف دیگر حکمات شرع و دادرسی دادگاههای هر شهر و محلی مسئول مستقیم و بلاواسطه با زیرسپها و محاکمات بوده و کمیته ها و وسایط اداران مسئول دستگیریها و بازجویی های اولیه اند. تاکنون مراجعه خانواده ها برای اطلاع از اینکه فرزندان آنها در کجا بسر میبرند بنده زندانها و کمیته های محلی و در حدبالاتر به دادسرای - انقلاب مرکزی بوده است. ولی برای اقدامات دسته جمعی مراجعه به مقامات و مسئولین اصلی یعنی شورایی قضائی و حجتی مجلس شورا صورت گرفته است، که اثرات کم و بیش مثبتی داشته است.

رژیم جنایتکار و ضد خلقی جمهوری - اسلامی در دستگیریهای اخیر ابتدائی ترین حقوق انسانی را آنچنان نقض کرده است که دست رژیم شاه را از پشت بسته است. رژیم ضد خلقی تمام موازین بین المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقررات حداقل شرایط زیست برای زندانیان - مصوب مجمع عمومی سازمان ملل که حتی مورد قبول دولتهای سرمایه داری - می باشد و قوانین خود جمهوری اسلامی را زیر پا گذاشته است. (ما در جدول جداگانه ای در این شماره هم بین موازین رایج - می کنیم).

بنابراین علاوه بر شعار "زندانی - سیاسی آزاد یا بدرگردد" که شعار اصلی و اساسی باید باشد، نمیتوان خواهشهای - فوری تکیه روی بین حقوق و مبارزه برای

و ادرا کردن رژیم به رعایت این موازین میتوان نمود و توجه قرار گیرد.

همانطوریکه گفتیم فعالیت ما در آن وخانواده های زندانیان سیاسی، حرکتی طبیعی و ابتدائی برای دفاع از زندانیان دلیر ما است. کشاندن این مبارزه به محافل سیاسی - اجتماعی، به گمانهای دموکراتیک، بدرون کاخ نجف، به بیرون ادارات، به مدارس و... اهمیت بسیار دارد. برای آنکه دفاع از زندانیان سیاسی همجا نبوده و رژیم مجبور به عقب نشینی شود علاوه بر اقداماتی که در ایران صورت میگیرد باید روی بسیج نیروهای مترقی جهان تکیه کرد. باید از زمانهای مترقی حمایت از زندانیان سیاسی خواسته شود که قریباً از اعتراض خود را علیه جنایات رژیم در اردوگاههای زندانیان ایران ببلندکنند. لازم است با اتخاذ شکل متنوع مبارزه در اینباره - و حرکت در جهت فرستادن هیئت های برای بازدید از زندانیان جمهوری اسلامی و رسیدگی به اعدای سیاسی دسته جمعی روزمره مساعی خویش را بکار ببرند. در گذشته - در زمان شاه چنین هیئت های در ایران گسیل شدند که در اواداشتن رژیم به رعایت با راهی از حقوق زندانیان و همچنین افشای ماهیت قانستی رژیم قدمهای برداشته شد. باید افکار عمومی جهان را در جریان وقایع ایران، اینکه در زندانها چه میگذرد، چگونه دستگیریها، اذیت و آزار و شکنجه زندانیان و اعدای سیاسی محاکمات و مدبرک قرار داد - در عین حال ضروری است که مردم ترفیخواه - جهان را در جریان مبارزات مردم ایران، اعتراضات کارگران و سایر اقشار و اهداف مبارزات مردم ایران قرار داد.

بیتوان بیشترین نیروی ممکن از محافل مترقی جهان را جلب کرد، رژیم ایران - میخواهد چنین وانمود کند که با فکر عمومی جهان بیگانه است و بدین عتراضات آنها ارزشی قائل نیست. اما این امر تظاهری بیش نیست. رژیم که در درون پایگاه - وسیعی ندا رد و سخت مورد اعتراض بوده - هاست اکنون که بیش از پیش در صحنه جهانی و خاورمیانه و منطقه منزوی شده است نمیتواند چنین وضعی را تحمل کند.

انزوا ی سیاسی رژیم در جهان روز بروز - برای بیشتر ناگوار تر میشود. بی جهت نیست که فخرالدین حجازی یکی از سردمداران و سخنگویان رژیم چندی پیش از چنین انزوی سیاسی ایران شکر کرد... پس علی رغم تظاهر رژیم به بی اعتنائی به افکار عمومی جهان، باید هر چه بیشتر رژیم را توسط نیروهای مترقی جهان مورد - تعرض و فشار قرار داد. اقدامات اخیر دانشجویان مبارز در خاور ری زک شورت است. اکنون بسیار چشمگیر و موفقیت آمیز بوده و توانسته اندای حق طلبانه انقلابیون ایران را برانگیزد. لازم است با تشکیل دانشجویان سیاسی و سطح مبارزات درون - ایجاب میکنند که مبارزات دانشجویان - مبارزان خاور ری زک شورت شکل سازمان یافته تری را بشکند. با یادگیری از روشهای همبستگی و دفاع از خلق مبارزان ایران که با شرکت نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست جهان بوجود می آید، این کار را زاردهای هر چه وسیع تر و گسترده تر به پیش برد.

باید با همه نیروی و با استفاده از تمام امکانات، در داخل و خارج ایران، به دفاع از وزمنندگان در رسیدن، این قهرمانان جان برکف برخیزیم!

افتخار بر دولوری که درسیا هجالیهای رژیم جمهوری اسلامی قهرمانان به مبارزه و مقاومت ادا می دهند.

مرگ بر دژ خیمان، جنا بیکاران - قاتلان و شکنجه گران فرزندان دلاور ما. به همت توده ها، زندانی سیاسی آزاد - باید گردید!

درباره مجلس شورای ملی

بقیه از صفحه ۱۱

نیروهای ضد انقلاب شده بود، و دوم آنکه بخاطر بیساری آزمایش و درگیری های تکنیکی و تمام دقی چون انشعاب بین اسرارها، زمان برگزاری انتخابات و... مجلس موسسان بدرستی، نمایانگر توازن نیروهای سیاسی در روسیه نبود، و سوم آنکه، نه فقط انتخاباتی، چون - انتخابات مجلس موسسان نمایانگر به نیروی در دستای دست یابی به دیکتاتوری پرولتاریا بنگارود، بلکه این خود دیکتاتوری پرولتاریا است که با بدچون ابزاری برای رهایی توده ها از جنگ انزوی احزاب بورژوازی و خردم - بورژوازی بحساب آید.

قانون اپورتونیستها، منجمله بیروان کاشوتسکی، برای بسخره گرفتن آموزشهای ما رکن به مردم "می آموزند" که پرولتاریا نخست باید اکثریتی را بسازد استفاده از وسائل حقوق همگانی بهمت خود بشکند، سپس قدرت دولتی را از طریق رای اکثریت، بدست آورد، و بعد از همه اینها، بر اساس "دموکراسی یابداری" - (یعنی به آن دموکراسی تاب منگوبند)، موسولیم را برقرار سازد. اما ما بسیر اساس آموزشهای ما رکن و تجربیات انقلاب

روسیه میگوئیم که پرولتاریا با بد نخست بورژوازی را براندازد و قدرت دولت را "برای خود" فراچنگ آورد، سپس، از قدرت دولت، که همان دیکتاتوری پرولتاریا است بمنزله ابزاری در دست طبقه خود، برای جلب طرفداری اکثریت زحمتکشان استفاده کند. (۱۴)

مجلس موسسان در اول نوامبر ۱۹۱۸ تاسیس شد. و سرودولف بیانیبه حقوق استشار - شوندگان و زحمتکشان، بیانیهای که توسط لنین نوشته شده بود و بیانی به برتاس - حکومت شوراها به شمار میرفت، قرار شد کرد. نمایندگان مجلس موسسان، با ۲۳۷ رای مخالف، در برابر ۱۳۶ رای موافق، بیانی به حکومت شوراها را رد کرد، و این بیانی بود بر حیات یک روزه دموکراسی بورژوازی، در بطن حاکمیت شوراها.

انقلاب اکثری با دادن قدرت به شوراها و از طریق آن به تمامی کارگران و زحمتکشان، به مقابله با نهادهای اپورتاژی برداخت. زحمتکشان به تجربه دریا فستد که نظم پارلمانی بورژوازی نه تنها دیگر دلایل وجودی خویش را از دست داده است، بلکه عملاً در برابر استای دست یابی به سوسیالیسم ایستاده. دیگر این نه تنها - های ملی، بل نهادهای طبقاتی اند که قادر به دفع مقابله و امت بهره کش و فرارویاندن جامعه به جامعه سوسیالیستی میباشند. ندادن تمامی قدرت به شوراها، سلب قدرت از حکومت شوروی، بخاطر بیانی بنده نظام پارلمانی اپورتاژی

و در آن مجلس موسسان، آنگاه که توده ها خود در تجربه خویش به کهنه گی و پوشیدگی چنین نهادهایی پی برده - باشند، چیزی نمیتواند باشد جز کام نهادن در خلاف جریان تاریخ.

توضیحات:

- ۱- لنین، نامه به کمونیستهای اتریشی
- ۲- لنین، بیما ریو کو دک "چپ روی" در کمونیزم، منتخبات آثار ریزبان فارسی، صفحه ۷۴۳
- ۳- لنین، همان جا، همان صفحه
- ۴- لنین، همان جا، صفحه ۷۴۹
- ۵- لنین
- ۶- لنین
- ۷- لنین، تزه های مربوط به مجلس موسسان، منتخبات آثار ریزبان فارسی، صفحه ۵۷۲
- ۸- لنین، وظایف دموکراتیک پرولتاریای انقلابی
- ۹- لنین، کلیات آثار، جلد ۱۰ (۱۹۰۵) - صفحه ۵۶ - ۶۱
- ۱۰- لنین، کلیات آثار، جلد ۱۱ (۱۹۰۶) صفحه ۱۰۴
- ۱۱- لنین، بندهای ره های مشروطه طلبانه کلیات آثار، جلد ۲۵، صفحه ۲۱۶ - ۲۱۴
- ۱۲- لنین، احزاب در روسیه و وظایف - پرولتاریا، کلیات آثار جلد ۲۴، صفحه ۹۱
- ۱۳- لنین، تزه های مربوط به مجلس موسسان، منتخبات آثار ریزبان فارسی، صفحه ۵۷۲
- ۱۴- لنین، انتخابات مجلس موسسان و دیکتاتوری پرولتاریا، صفحه ۲۱

ایرلند جنوبی

تظاهرات مردم ایرلند جنوبی بحمایت ارتش جمهوریخواه ایرلند، نقاب از چهره مزورانه دولت ایرلند جنوبی برداشت

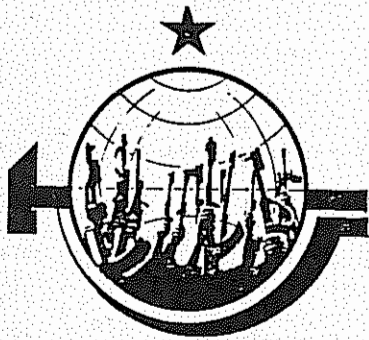
در دو هفته گذشته تظاهرات گسترده‌ای در دفاع از حقوق خلق ایرلند در دو بلین پایتخت ایرلند جنوبی صورت گرفت. دولت ایرلند جنوبی در برابر این تظاهرات و نیز تظاهرات ۱۷ هزار نفری در مقابل سفارت انگلستان در دو بلین که بعنوان اعتراض به سیاستهای تجاوزگرانه دولت انگلستان در بزرگوردیه جنبش توده‌ای ایرلند انجام گرفته بود، سکوت اختیار کرد. با آنکه شاخه سیاسی ارتش جمهوریخواه ایرلند رسماً "از دولت ایرلند جنوبی خواست که در قبال وضعیت فوق العاده در ایرلند شمالی موضع مشخص دولت را اعلام دارد، اما دولت نه تنها از اتخاذ هرگونه موضع گیری مشخص سیاسی ظفره رفت بلکه با پیشبرد سیاست‌های تفرقه افکنانه ما هیت واقعی اش را نشان داد.

دولت ایرلند با موافقت با اعزام دو مقام اداری جهت مذاکره با ۵ تن از ۸ اعتصاب کننده غذا، عملاً "حرکتی در جهت تأمین منافع امپریالیستهای انگلیسی و بورژوازی ایرلند و بی‌اعتنا کردن حقوقی خلق ایرلند برداشت.

دولت ایرلند جنوبی بعنوان نماینده

جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش



بورژوازی وابسته ایرلند و به مثابه تکلی از حاکمیت غیر مستقیم بریتانیا و سایر امپریالیستها برای ایرلند، طی سالیان در ازمنی کرده است با توسل به شیوه‌های فریبکارانه مبارزات خلق ایرلند را مهار کنند. دولت ایرلند همواره سعی کرده است بدروغ خود را مدافع سرسخت حقوق خلق ایرلند و حامی وحدت و یکپارچگی ایرلند نشان دهد. حال آنکه شکل گیری دولت ایرلند در جنوب و کلاً تجزیه ایرلند (به شمال و جنوب) بمنظور ادا مابقا حاکمیت بریتانیا برای ایرلند و تقسیم طبقه کارگر بمنظور استثمار روبه‌رہ کثی هر چه بیشتر این زحمتکشان توسط بورژوازی ایرلند و امپریالیسم بریتانیا، صورت گرفت. و به همین خاطر نه دولت ایرلند و نه امپریالیسم انگلستان، تمایلی به وحدت مجدد ایرلند ندارند، تقسیم طبقه کارگر به گروههای مختلف نژادی و مذهبی در ایرلند شمالی و رودر و قرار دادن آنها با یکدیگر و نیز اعطاء جزئی از ارزش اضافی به بخش ممتاز طبقه کارگر و بوجود آوردن اشرافیت کارگری (عمدتاً "درین کارگران - پروتستان و انگلیسی) و استثمار شدیدتر بخش دیگر کارگران، اساس سیاست امپریالیستها و سرمایه داران را تشکیل میدهد.

تردید نیست که بورژوازی وابسته ایرلند بیوندتنگا تنگی با سرمایه‌های امپریالیستی بریتانیا دارد. سرمایه - داری بریتانیا آزادانه کالاهای خود را به ایرلند صادر میکند، در آنجا سرمایه گذاری میکند و از نیروی کار ارزان و منابع آن، بدون هیچ مانعی بهره‌میرد. بطوریکه هیچ سدی در برابر استثمار امپریالیستی و غارت توده‌های زحمتکش در ایرلند وجود ندارد. با این وجود بورژوازی ایرلند سعی دارد در افکار عمومی مردم ایرلند خود را همراه

و همگام خلق ایرلند قلمداد نماید. هم چنانکه می بینیم دولت‌های ارتجاعی عرب که تا مغز استخوان به امپریالیستها وابسته اند خود را مدافع حقوق خلق - فلسطین جا می‌زنند و با ژست بظا هر ضد امپریالیستی - صهیونیستی، در واقع مناقع غارتگران امپریالیست را در منطقه تأمین میکنند، از اینروست که دولت ایرلند جنوبی هر نوع سیاستی را که در قبال مبارزات خلق ایرلند به پیش برد، عملاً "در جهت تأمین منافع و سودهای کلان سرمایه - داران و امپریالیستها و سرکوب جنبش توده‌ها و پایداری کردن حقوق خلق ایرلند خواهد بود. و بدینگونه، هر قدر بورژوازی وابسته ایرلند روخت ایرلند را بزند، نمیتواند مردم ایرلند و جهان را برای مدتی طولانی بفریبند.

کلمبیا

مبارزات انقلابیون کلمبیا اوج تازه‌ای می‌یابد

طی چند هفته اخیر، انقلابیون کلمبیا مبارزات خویش را علیه نیروهای ارتشی بویژه در نواحی جنوب کشور، شدت بخشیده - اند. این درگیری‌ها در هفته گذشته (هفته) با لگد نیروی کار آمدن دولت - نظامی کتونی در ژوئیه ۱۹۷۶ موجب کشته شدن بیش از ۵۰ نفر متحمل ۲۱ نفر از - نیروهای نظامی رژیم گردید. دولت - نظامی کلمبیا در اوایل بهار سال جاری لایحه‌ای فریبکارانه مبنی بر عفو چریکها به شرط تسلیم نمودن خویش در برابر رلمان به تصویب رساند تا بدین وسیله از سویی دهنده از سوی دیگر عناصر مبارزکار را به سوی خود جلب نماید. دولت در پی تصویب این لایحه سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی

را آغاز کرد. تعقیب، بازداشت و کشتار چریکهای انقلابی در مناطق کوهستانی و روستاها از طریق پروازهای تجسی و در شهرها از طریق اجرای مقررات حکومت نظامی، منع رفت و آمد و منع تجمع افراد... ادامه دارد.

سازمانهای انقلابی از همان آغاز، مخالفت خویش را با "لایحه اجزای" - مصوبه پارلمان اعلام نمودند و نیز در پی موج اخیر سرکوب رژیم، اعلام نمودند که "تا آخرین قطره خون خویش به مبارزه - ادامه خواهند داد" این سازمانها کسه عمدتاً عبارتند از: "جنبش ۱۹ آوریل" (۱۹-۸۸)، "نیروهای انقلابی مسلح کلمبیا" (FARC) و "ارتش رهائیبخش خلق" (EPL)، طی چند هفته اخیر عملیات تعرضی خویش را از قبیل اعدام انقلابی نیروهای پلیس، انفجار مراکز نظامی، حمله به واحدهای نظامی، اشغال موقت مرکز بخش برنامهای تلویزیونی و... گسترش داده‌اند.

آزسوی دیگر، شدت بحران اقتصادی موجود در کشور سرمایه‌داران را وادار به اخراج دسته جمعی کارگران در بسیاری واحدهای صنعتی بخصوص کارخانجات نساجی، لباس دوزی و صنایع اتومبیل

سازی نموده است. آخرین آمار رسمی دولت در مورد تعداد بیکاران، که مربوط به قبل از اخراجهای دسته جمعی اخیر می‌باشد، یک میلیون نفر است. (جمعیت تقریبی کلمبیا ۲۵ تا ۲۸ میلیون نفر است) با توجه به آنکه بیکاران در این کشور عموماً "فاد بیمه" بیکاری هستند افزایش روز افزون بیکاری می‌رود تا توده‌ها را هر چه بیشتر به عرصه مبارزه - کشتار و جادو راه نقطه‌ای انفجار - آمیز نزدیک سازد. در چنین شرایطی است که نیروهای انقلابی در تلاش هستند تا پیوندی مستقیم میان مبارزات - توده‌ها و نبرد مسلحانه بیشتاران خلق برقرار سازند.

اخیراً جنبش ۱۹ آوریل (۱۹-۸۸) در یک بیانیه ترویجی - تبلیغی خویش به تحلیل عملکردهای اخیر هیئت حاکمه منجمله قطع رابطه سیاسی کلمبیا با کوبا (که بدستور کاخ سفید انجام گرفته) و نیز به افشای سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی رژیم کلمبیا پرداخت. بیانیه توده‌ها را به پیوستن به مبارزات ضد رژیم و برپا شدن پیگیری و معمم درگسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک که تبلور خواسته‌ها و نیازهای واقعی - خلق کلمبیا است، فراخواند.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش سراسر جهان

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک

بقیه از صفحه ۶

دموکراسی پرولتری یعنی تمام امکانات در اختیار پرولتاریا و متحدانش - دموکراسی پرولتری به معنای دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان و سرکسوب و عمال قهرودیکتا توری بر سر مایه داران زمینداران، مفتخواران و چپا ولگران - است. نمونه های بارزی از دموکراسی پرولتری را میتوان مثال زد. پس از انقلاب کبیر روسیه و بدست گیری قدرت - توسط پرولتاریای قهرمان این کشور و یا حتی در مقاطع کوتاهی از برقراری قدرت دوگانه و اعمال قدرت شوراهای کارگران نمونه های بارزی از دموکراسی پرولتری است. مثلاً در سال ۱۹۰۵ بر اثر قدرت گیری شوراهای کارگران در روسیه - هدیم که چگونه نطفه های دموکراسی پرولتری بسته می شود. در شرایط قدرت گیری شورای کارگران چا پخانه در شهر ایوانسک - دیگر هیچ چیز باقی نماند بدون اجازه در چا پخانه با چا پخانه رسید. مثلاً "شورا اجازه چا پخانه مدارک و اسناد تزاری را صادر نمی کرد، هر صورتیکه هر آنچه میخواست از اداره چا پخانه می نمود. مثلاً تبلیغات سوسیال دموکرات ها بدون هیچ کنترلی انجام می شد. شوراه آزادانه از ماکن عمومی محلی استفاده می کردند. بدون آنکه برای برگزاری جلسات و میتینگیهای خود از کسی اجازه بخواهد. شوراه خدمات مربوط به محافظت کارخانه ها و اموال عمومی شعرا مستقلاناً سازمان میداد. این حقوق توسط توسل به زور و بدست آمده بود. هیچ چیز و هیچ کس نمی توانست طبقه کارگران را استفاده از آن محروم سازد. شورا گزارش کلی از تمامی تصمیمات و اقدامات خود را به مجمع عمومی کارگران ارائه میداد. (نقل به معنی از - شوراها در روسیه - آندره تین) فقط دموکراسی پرولتری است که آزادیهای اجتماعی، آزادی مطبوعات آزادی انتخابات، آزادی بیان و... را به معنای واقعی و برای تمامی خلق تا مین می نماید. بقول لنین "دموکراسی پرولتری یک میلیون بار دموکراتیک تر از هر دموکراسی بورژوازی است" (لنین - انقلاب پرولتری و کانسکی مرتد) در اینجا بطور مشخص ارتباط دیالکتیکی موجود بین دموکراسی و دیکتاتوری طبقه مطلق وجدائی ناپذیری آنان از یکدیگر روشن میگرد. دموکراسی بورژوازی که همانا دموکراسی بر مایه داران و زمینداران است معنایی جز اعمال دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریا یعنی دیکتاتوری یک اقلیت بسیار معدود و جامعه را اکثریت آن ندارد. همچنان که دیکتاتوری پرولتاریا که همانا دموکراسی پرولتری است - در عین اعمال قهر و سرکوب پرولتاریا - یعنی اقلیت چپا ولگران را به برقرار نمودن عمیق ترین و گسترده ترین آزادی ها برای خلق - یعنی اکثریت مطلق جامعه - میبندد. ●



امانت شمارسید	
رفیق اکبر	
رفیق ۳۷۷۲ (شهر)	
و ۳۳۱	
رفقای گرج (۱۳ و ۱۲)	
م - ۱۲۵ (کوپن)	
ن ۵۰۱ (کوپن)	
رفقای زنجان	
ج ۱۲۵	
د ۱۲۴	
ح ۱۶۶	
م ۱۸۸	
ک ۱۹۹	
رفقای طوالش	
رفیق کارگر	
افرا ۱۵۰۰	
رفیق طالب	
۱۰۰۰	
رفقای قزوین	
ع ۲۱۲۳	
الف ۸۴۵	
ف ۷۶۷	
ت ۱۱۲۳	
رفقای کارگر	
۲۵۰۰۰	
رفقای سمنان	
ه - ر ۱۰۰۰	
ب - ه ۱۰۰۰	
رفیق مادر	
۲۰۰۰	
م - ف ۴۰۰	
ف ۵۰۰	
م - س ۴۰۰	
ب - ع ۷۰۰	
ک - م ۴۰۰	
م - ا ۱۰۰۰	
رفقای آصفهان	
م - ق ۱۲۳ امانت	
شماره سیصد	
رفقای بیروجر	
مرضیه احمدی	
اسکویی ۲۳۰۰	
ج ۲۵۰۰	
م ۱۲۱۹	
ف ۶۱۱	
بو بیا ن ۲۰۰۰	
ه ۳۲۱۰	
م ۲۳۵	
ج ۷۱۶	
رفقای سرباز	
ک ۵۷۱۶	
رفیق سپیده	
(کوپن بنزین)	
رفیق کامران	
نامه های رسید	
رفقای نهاوند	
س ۱۰۰۰	
ک ۵۰۰	
رفقای کردستان	
الف ۴۲۵۳	
سنندج ۵۲۱۰	
جانفدا کمک	
دارووشی	
نوزده سنندج ۱۱۱	
امانت شمارسید	
۴۰۰	

رفیق دانش آموز	
سید ۲۰۰ ریال	
حاصل از دستفروشی	
رفیق پیکار	
۱۰۰۰	
خوانسار ۳۰۰۰	
گرگان ۳۰۰۰	
ب ۵۸۳ عدد	
رفیق کشاورز ۵۰۰۰	
رفقای محتفه	
۶۰۰۰ ریال	
رفیق محسن ۲۵۰۰	
ح - الف ۵۰۰۰	
رفیق کارگر ساکن	
۱۰۰۰ ریال	
رفقای گرج	
ح - ۲۱۱۱ ریال	
رفیق راننده	
۳۰۰۰ ریال	
رفقای مقیم فرائنه	
لیل ۲۰۰۰	
تولوز ۳۵۰ ف	
کان ۵۰۰ ف	
مونپلید ۷۰۰ ف	
رفقای روستای	
نولال	
ن ۲۰۰۰	
ع ۱۰۰۰	
ز ۱۰۰۰	
ز - ح ۴۵۰	
م - ف ۴۰۰	
ف ۵۰۰	
م - س ۴۰۰	
ب - ع ۷۰۰	
ک - م ۴۰۰	
م - ا ۱۰۰۰	
رفقای آصفهان	
م - ق ۱۲۳ امانت	
شماره سیصد	
رفقای بیروجر	
مرضیه احمدی	
اسکویی ۲۳۰۰	
ج ۲۵۰۰	
م ۱۲۱۹	
ف ۶۱۱	
بو بیا ن ۲۰۰۰	
ه ۳۲۱۰	
م ۲۳۵	
ج ۷۱۶	
رفقای سرباز	
ک ۵۷۱۶	
رفیق سپیده	
(کوپن بنزین)	
رفیق کامران	
نامه های رسید	
رفقای نهاوند	
س ۱۰۰۰	
ک ۵۰۰	
رفقای کردستان	
الف ۴۲۵۳	
سنندج ۵۲۱۰	
جانفدا کمک	
دارووشی	
نوزده سنندج ۱۱۱	
امانت شمارسید	
۴۰۰	

اطلاعیه امور مالی سازمان

در شرایط حساس و بحرانی کنونی سازمان جهت پیشبرد وظایف انقلابییش در قبال کارگران و زحمتکشان و با سخگوشی به خواسته های میرم جنبش بیش از پیش نیاز مبرم به کمکهای مالی شما دارد از هر طریق که میتوانید کمکهای مالی خود را همراه با کد مربوطه به دست سازمان برسانید.

الف	۵۳۸۱	۱۷۵۵	ظ	۲۱۰۳	۱۶۰۰	۱۰۹۵۲
ب	۱۰۰۴۷	۵۲۵	ع	۱۰۹۹	۱۵۵۵	۱۶۱۳
ج	۳۱۱۱	۲۲۶۶	د	۱۰۹۴	۱۰۶۶	۱۰۶۶
د	۱۵۵۵	۲۴۶۶	ه	۳۰۰۸	۵۰۲۸۳	۵۰۲۸۳
ه	۷۰۰	۳۰۰۰	و	۵۱۲۳	۱۰۰۱	۱۰۰۱
و	۵۱۵۰	۲۵۶۱	ز	۱۲۲۲	۲۲۰۰	۲۲۰۰
ز	۱۹۱۳	۵۳۳۶	ح	۲۸۲۵	۱۰۱۳۴	۱۰۱۳۴
ح	۱۴۱۳	۵۳۳۶	ط	۱۱۲۷	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ط	۱۵۰۰	۵۱۲۳	ث	۱۰۰۵۵	۱۱۰۰	۱۱۰۰
ث	۵۳۳۳	۱۱۲۳	ج	۱۰۳۸۱	۱۱۱۱	۱۱۱۱
ج	۱۰۱۲	۱۱۲۳	خ	۶۱۱	۶۱۱	۶۱۱
خ	۵۵۵	۱۰۱۲	د	۱۶۳۶	۱۶۳۶	۱۶۳۶
د	۵۹۹	۱۰۸۲۳	ر	۱۶۱۳	۱۶۱۳	۱۶۱۳
ر	۲۲۲۲	۱۹۵۰	ز	۱۰۱۱	۱۰۱۱	۱۰۱۱
ز	۱۶۶۰	۳۰۰۱	ح	۲۳۳	۲۳۳	۲۳۳
ح	۸۰۰	۱۱۰۰	ط	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰
ط	۱۱۱۱	۶۰۰	ث	۴۱۱۱	۴۱۱۱	۴۱۱۱
ث	۱۷۶۹	۱۵۵۵	ج	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰
ج	۱۲۲۵	۶۱۶۸	خ	۹۱۲	۹۱۲	۹۱۲
خ	۱۲۱۲	۶۱۶۸	د	۶۱۴۰	۶۱۴۰	۶۱۴۰
د	۲۲۲۱	۵۰۰۱	ر	۱۲۰۲۵	۱۲۰۲۵	۱۲۰۲۵
ر	۱۹۲۱	۳۲۱۳	ز	۱۲۲۵	۱۲۲۵	۱۲۲۵
ز	۵۰۰	۲۰۱۱۹	ح	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰
ح	۲۶۰۲	۵۱۰۵	ط	۱۵۵۵	۱۵۵۵	۱۵۵۵
ط	۱۰۱۰۱	۲۲۵	ث	۱۰۷۳	۱۰۷۳	۱۰۷۳
ث	۱۲۲۲	۱۳۶۹	ج	۱۲۰۱	۱۲۰۱	۱۲۰۱
ج	۱۱۱۰۵	۲۱۲۳	خ	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۱۱
خ	۲۶۰۵	۲۱۲۳	د	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵
د	۱۶۱۱	۲۱۱۳	ر	۲۱۱۰۰	۲۱۱۰۰	۲۱۱۰۰
ر	۳۳۰۰	۲۸۰۰	ز	۳۴۱۰	۳۴۱۰	۳۴۱۰
ز	۵۷۸۷	۵۱۶۱	ح	۲۱۲	۲۱۲	۲۱۲
ح	۴۱۱۱	۱۶۶۶	ط	۱۱۱۱	۱۱۱۱	۱۱۱۱
ط	۱۷۰۰	۱۱۱۱	ث	۲۶۱۲	۲۶۱۲	۲۶۱۲
ث	۲۰۲۱۹	۱۲۲۲	ج	۱۰۰۲۴۰	۱۰۰۲۴۰	۱۰۰۲۴۰
ج	۱۲۰۲	۵۰۰۱	خ	۱۰۳۷۷	۱۰۳۷۷	۱۰۳۷۷
خ	۵۰۲۲	۱۰۱۷	د	۲۱۲۳	۲۱۲۳	۲۱۲۳
د	۵۰۲۲	۱۵۵۵	ر	۱۵۲۴	۱۵۲۴	۱۵۲۴
ر	۵۶۱۹	۱۵۵۵	ز	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
ز	۷۵۰۰	۲۳۲۹	ح	۸۵۰	۸۵۰	۸۵۰
ح	۱۰۳۳۳	۱۱۰۰	ط	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰
ط	۸۲۵۶	۲۴۵۵	ث	۸۰۰۰	۸۰۰۰	۸۰۰۰
ث	۱۰۱۷۳	۱۳۰۰	ج	۵۱۰۰	۵۱۰۰	۵۱۰۰
ج	۲۰۰۱۶	۲۳	خ	۵۲۲۴	۵۲۲۴	۵۲۲۴
خ	۵۰۰	۱۰۱۱	د	۱۵۲۰۰	۱۵۲۰۰	۱۵۲۰۰
د		۵۵۱	ر	۲۵۱۰۰	۲۵۱۰۰	۲۵۱۰۰
		۵۱۵	ز	۲۶۳۳	۲۶۳۳	۲۶۳۳
			ح	۲۱۲۲	۲۱۲۲	۲۱۲۲

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



خمینی چه گفت خمینی چه کرد؟ (۵)

از دانشگاه "ناجی مملکت" تا دانشجوی "مزدور اجانب"

یکی از مسائلی که آیت الله خمینی در مورد آن حرفهای بسیار زد و ما پس از قبضه قدرت برخلاف تمام گفته‌ها پیش عمل نمودم، له‌دا نشگاههاست. دانشگاه‌ها در دوره رژیم مغزور پهلوی همواره - یکی از سنگرهای استوار مبارزه بود - دانشجویان انقلابی همواره در سازمان دهی و شکل دادن حرکات مبارزان نقش داشتند. دانشجویان انقلابی پس از کودتای آمریکا سال ۳۲ در اوچسکوب با سنگباران ما شایسته ننگون که برای شاه و شاهزاده‌ها مده بود فصل خونینی در مبارزات دانشجویی کشودند که در پی خودکشتار خونین ۱۶ آذر را داشت. شرکت وسیع و مبارزات توده‌ها بخصوص در سال های ۴۲ - ۳۹، استقبال وسیع دانشجویان از حرکت خلقی کمک به زلزله زدگان - نوشتن نوارها، سازماندهی و ارتقاء مبارزات توده‌ها در جریان اعتصابات شرکت واحد... همه نمونه‌هایی از تداوم مبارزات در تمام دورانی است. پهلوی توسط دانشجویان است.

یکی از نظریه‌پردازان رستاخیز - سیا هکل و حرکت انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دکتر گوناسی جوسو مبارزاتی دانشگاهها و ارتقاء کیفی مبارزات دانشجویان بود. تحت تاثیر این حرکت انقلابی مبارزات دانشجویان وسعت و بعدا دی نوین یافت بطوریکه حتی در سیاهترین سالها، در سالهای ۵۴ - ۵۵ نیز عموماً تظاهرات دانشجویان در محلات خلقی تداوم مییافت.

پهلوی ایفا نمود. دانشجویان انقلابی در قریباً هر شکوه خلق نیز نقش فعال و موثری در تسخیر پادگانها، سنگربندی - محلات، آموزش توده‌ها و ایجاد دشورها و تشکلهای خلقی ایفا نمودند.

دانشجویان از اقشار روشنفکر - خلقند که همواره تحت فشار خفقان و سرکوب قرار داشته‌اند و در مبارزاتشان - عنصر قوی و محرک تسم انقلابی وجود دارد. از سوی دیگر سیستم ارتجاعی آموزش دانشگاهی، سیستمی که نه در خدمت توده‌ها بلکه در خدمت سرمایه‌داران و استثمارگران قرار داشته از عواملی بود که دانشجویان را به مبارزه‌ای بیگانه‌گرا و بی‌هدفی و بی‌گزینشی با سیستمی خلقی وامیداشت. عدم وجود هرگونه آزادی‌مبارزات صنفی و سیاسی، سرکوب تمامی فعالیتها و نهادهای دانشجویی انگیزه‌های قوی مبارزات دانشجویی را تشکیل میداد. از سوی دیگر دانشجویان انقلابی همواره از نزدیک با زندگی فلاکت‌نازیده‌ها، با فقر عظیم خلق آشنا بوده و تماس داشتند. و از اینرو همواره مبارزات دانشجویی به خواستها و آمال توده‌ها پیوندی نزدیک داشته است.

آیت الله خمینی بخوبی از مبارزات دانشجویان و از خواستهاشان اطلاع داشت و آیت الله خمینی بدرستی می دانست که چگونه دانشجویان جان برکف مبارزات خود را تا زمانی تداوم بخشیدند که تمامی مدعیان مبارزه، رهبران آینده و ناجیان دندهمین خلق یا در کجخانه‌ها و حجره‌های دروخزیده بودند یا در خارج از کشور بسر میبردند.

بهر روز خمینی در ابتدا به دانشجویان نویدبخشید و فرهنگ و برقراری سیستمی از آموزش را میداد که حداقل در آن دانشجویان آداب تحصیل مجبوره خارج از کشور نیامدند. خمینی میگفت "فرهنگ ما نیز یک فرهنگ عقب‌نگهداشته است، بطوری که جوانان برای ادامه تحصیل مجبوره خروچ ز کشورند" (دوشنبه اول - مرداد ۵۸) و دانشجویان را "ناجی مملکت و عزیز خود مینامید" آنها که مملکت ما را نجات دادند همین توده جمعی است همین دانشگاههای عزیزند، همین طلاب علوم دینی عزیزند... (شنبه ۴ شهریور ۵۸). آیت الله خمینی بصورتی از حملات رژیم منحوس پهلوی به دانشگاهها و کشتار دانشجویان صحبت میکرد که گویا معتقد است این کارها خطا بوده و نباید تکرار شود. "روز ۱۳ آبان روز هجوم رژیم منحوس به دانشگاهها و کشتار دستخوش جمعی دانشجویان عزیز است... رژیم مخالف با تمام مظاهر تمدن و پیشرفت کشور، یگروزیه مدرسه فیضیه و مدارس علوم اسلامی در سراسر ایران حمله و تخریب کرد و یگروزیه دانشگاه تهران و دانشگاههای سراسر ایران، این مراکز دانش و دانشمندان... (پنجم مناسبت ۱۳ آبان ۵۸) خمینی با این سخنان سعی میکرد تا بگوید که موافق مظاهر تمدن و پیشرفت کشور است و در این راه نیز سراسر ای دانشگاهها

مرکز دانش و دانشمندان اهمیت و اولی قائل است.

اما بهر رو دانشجویان آگاه و انقلابی افرادی نبودند که بتوان آنها را بسا حرفهای یغریبیده فریفت و گویا خمینی نیز اینرا درک کرده بود (دانشجویان از زمین از قیام به تداوم مبارزات انقلابی خود برداشتند. شوراها و خود را تشکیل دادند. دانشگاهها را به کانون تشرکات تبدیل ساختند، به میان توده‌ها رفتند... آیت الله خمینی و سران رژیم که شاهد بودند چگونه در دانشگاهها به سر برتری صورت پایگاه خود را از دست داده‌اند. و میدیدند که دانشگاهها نقش خود را بعنوان سنگر مبارزات و کانون آگاهی و آزادی - حفظ کرده‌اند. رایشان از دانشگاهها و دانشکدهها برکشت. آیت الله خمینی نیز چون سایر رهبران "دیکتاتور بورژوازی" تنها تا زمانی دانشجویان را "عزیز می دانست که گمان میبرد که کشتار آنها را چای رژیم و سیاستهای پهلوی خواهند آید. اما پس از مدت کوتاهی دانشجویان "عزیز" به دست نشاندگان و خدمتگزاران اجانب تبدیل شده و ناجیان مملکت" به "خائنین به ملت" تغییر یافتند. خمینی میگوید "ما که میگوئیم باید از بنیاد تغییر بکنند میخواستیم بگوئیم که دانشگاهها باید در احتیاجاتی که ملت دارند در خدمت ملت باشد نه در خدمت اجانب... این جوانهایی که بواسطه ماهلوحی خودشان تربیت‌های باطل بعضی از معلمین را قبول کردند و حالا که ما میخواستیم یک دانشگاه مستعمل درست کنیم و تغییر بنیادی بدهیم... " (انقلاب اسلامی ۱۲ اردیبهشت ۵۹) بلکه اینک که دانشجویان به افشای چهره کریمه و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. آیت الله خمینی با آنها همچون سایر نیروهای انقلابی به مقابله برخاسته است و دانشگاهها، این سنگرهای آگاهی و آزادی را مرکز فساد دینامد "اینها نیکه مخالفند اینک دانشگاهها درست‌شده... دانشگاه و فرهنگ، فرهنگ صحیح‌شود، اسلامی بشود اینها همانها هستند که درد من آن - خاریها بزرگ شدند و خوف این را دارند که مبارزات یگوفتی یک دانشگاه اسلامی بشود و ما نمیتوانیم دیگر دزدی بکنیم و ما نمی توانیم دیگر عیش و عشرت بکنیم، دانشگاهها باید یگوفتی اسلامی بشود و آنجا مرکز فساد نباشد" (انقلاب اسلامی ۱۱ تیر ۵۹) خمینی که مزدورانی چون قطب زاده و چمران را - سردار اسلام مینا مدوبر تمام خاریچهره‌ها کان صحنه مینهد و آنان را ناجی ملت قلعخاد میکند دانشجویان انقلابی را که لحظه‌ای سنگرزده را رها نکرده‌اند و پیرو شده‌اند خاریها، فاسد و عیاش مینا مدوبر و لاخره هم طبق معمول خودش کار را به جاسوسی میرساند که علت لعلل تمام میمیتبای چپانی را دانشگاهها اعلام میکند خمینی گفت "وقتی ما به یک نظرسنجی می‌دهیم اینها همه دانشگاهها بی کدر در دنیا هست بیاندازیم، تمام این میمیتبای که برای این مشربش آمداد است ریشه‌هاش از

بقیه در صفحه ۱۶

تور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

رژیم جمهوری اسلامی به خادمین خود هم رحم نمی کند

روزشنبه ۲۷ تیرماه از سوی فرمان داری تهران اسامی کاندیداهای "واحدشرايط" وبعبارت ديگر موردتائيد جناحهاي مختلف حزب جمهوري اسلامي اعلام شد که درميان اين اسامي ۳ کانديد از حزب توده و دو کانديد از اکثريست بچشم مورد توجه ما با اين مسئله آشنا شده بود که: "احتمال دارد چند نفر از کاندیداها شيكه صلاحيت آنها در حال حاضر تائيد شده است ، بدليل رسيدن مدارک تازه - حذف شود...". کيها ن شنبه ۲۷ خرداد و هنوز يك روز از اعلام اين خبر گذشته بود که خبر حذف اين صدا انقلابيون تازه مسلمان شده و مجيز گويان حاکميست و طرفداران سينه چاک حزب جمهوري اسلامي نيز اعلام شد اما نه از سوی فرمان داری - بلکه از سوی "شورای نگهبان". اين اولين بار نيست که حاکميت ارتجاعی و انحصار طلب ، خوش خدمت هاي آستان نبوسان خود را جنين با داس مي رهد . هفته گذشته نيز مسئول حزب توده در خرم آبا د دست حزب الله تزور شد و سه هفته پيش نيز چهار نفر اکثريتي در

لاهيان اعداد شدند و بارها در کردستان - شامه ديده ايم که اکثريتي هاي نادم و شيطان با زداشت و اعداد شده اند... اما اين نوکران بي چيره و مواجستب ، عليرغم بي مهرباني حاکميت ، همچنان به خوش خدمتي در آستان تجار مکتبي ادامه مي دهند و اخيرا "بدنبنال سرکوبها ، ترور ها ، کشتار ها ، اعدام هاي بدون محاکمه و شکنجه زندانيان سياسي ، با موضع گيري تائيد اميز و حثي همکاري مستقيم و غير مستقيم در شنائتي و معرفي انقلابيون سعي کردند امتيازي از حاکميت بگيرند و آن اينکه نماينده اي به مجلس گسيل دارند ، اما حاکميت ارتجاعی ترا زاشت که اين بيچارگان تصور مي کنند ، آنگاه هيچگاه نسي خواهد اندازتا ريخند بگيرند که بر سر هم با لکي هاي شان در ممر ، سودان عراق و... چه آمد ، اگر در اين کشورها بورژوازي حاکم آنها ن رايه زياله دان تاريخ سپرد ، در کشور ما توده هاي ميليوني خلق آنان را بهر ما حاکميت مورد تائيد شان به کورستان خواهد سپرد .

گزارشی از مقابل زندان دیزل آباد کرمانشاه

بقیه از صفحه ۲

شون سردادوبه سينه کوفت و گفت : اي واي چه بگويم ، جرم بچه ام خيلي سنگين است ، خيلي خيلي سنگين است ، جرمش اينست که هفت روزه هفت روز براي خميني روزه گرفت ، بيه جرمش خيلي سنگين است . زني ديگر گفت حالا حالا بايد تقاضا پس بدهيم ، دو سال گفتم مرگ بر شاه ، حالا بايد تقاضا پس بدهيم . گفتم بچه ترا کجا گرفتند ؟ گفت دخترم را شب در رختخواب گرفتند ، خانه ام رازيرو رو کردند ، هيچ جيز پيدا نکردند هيچ جيز ، آخر هم طراپينکه دست خالي نرفتند با شنديك قران يا زه باره مال ساليهاي پيش را که با روزنا مه رستاخيز جلوسش کرده بودم بر بردند و گفتند چرا با روزنا مه رستاخيز جلوس کرده اي ؟ آخري با آن مال ساليها پيش بودي !!

صدای آه و ناله و ناله نژاي مردم هم چنان بلند بود . ما موري جلو آمد و گفت : براي زنداني ها ميوه نياوريد ، از امروز ديگر ميوه قبول نمي کنيم ، در خود زندان ميوه فروشي باز شده است ، پول بدهيد تا به بچه هاي شان ميوه بدهيم . صدای اعتراض مردم بلند شد ، زني به سر و صورت خود ميزدومي گفت : اي آقا صد تومان از همسايه قرض کرده ام و براي بچه ام ميوه خريده ام ، ديگر هيچ پولی ندارم ، اين ميوه ها را چکار کنم ، پول از کجا بياورم ، يك ريشويش ترا زهه اصرار داشت که بايد پول بدهند و به هيچ وجه رفايت نميداد که ميوه هاي آورده شده را قبول کنند ، فرياد زدم اين مرتيکه خودش براي ميوه فروشي زندان سرمايه گذاري کرده است ، ميترسيدندش که بشود از مردها و زن ها شي که هريك عزيزي را در زندان اين مزدوران داشتند نه جيب هاي باره باره شان به دنبال پول ميگشتند تا بايد پولی پيدا کنند و بدندانها به بچه شان ميوه بپردازد . پيرمردي که نمي توانست راه برود با پشت خم شده در جيبش پيش دنبال پول ميگشت شاي شاي وريال وريال پول بيستان ميگرد و روپيهم ميگذاشت تا به زندان نمانان بدهد .

سرانجام براي ملاقات بداخل زندان رفتيم ، زنداني ها پشت شيشه بودند و با گوشي تلفن با ما حرف ميزدند . زن هاي حزب الله پشت ملاقاتي ها گوشي مي ايستند تا ببينند چه ميگويند ، وضع عمومي زندان بسيار خراب است . وضع بهداشت خيلي بد است ، گند و کثافت همه جا را گرفته است ، شيش هم بجان زندانيان افتاده است . با سداری تالجه غليظ جالني در جواب اينکه اجازه ميدهيد گرد (د.د.ت) بياوريم به شرمانه ميگويند خيبر ، ديگر شيش از گلوله بدتر است ؟! من از زندان نياي جمهوري اسلامي برسيدم ميتوانم براي دخترم و کيل بگيرم ؟ جواب دادند خيبر ، و کيل با بد مکتبي باشد ، به جمهوري اسلامي و ولايت فقيه معتقد باشيد . گفتم خوب شما بک و کيل معرفي کنيد تا من براي بچه ام بگيرم . "مسئولين گفتند : فعلا جنين و کيلي با جنين مشخصا نسي وجود ندارد !!

خميني چه گفت؟

بقیه از صفحه ۱۵

دا نشگاهي بوده . ريشه اش از اين شخصيتهاي دا نشگاهي بوده ... " (انقلاب اسلامي ۲۹ آذر ۵۹) رژيم جمهوري اسلامي با سياستهاي ضد خلقياش فقر ، گرانس و بيکاري را به حد غير قابل تحمل ميرساند ، آيت الله خميني و رژيم با "صدور انقلاب اسلامي" خود و با جنگ قدرت با رژيم عراق باعث مصيبت هاي بسيار و آوارگي بيش از ۲۰ ميليون نفر مي شوند و نوقت ريشه همه مصيبتهاي - جها نتي در دا نشگاههاست ، پس حتمما " اگر در سرا سر جهان دا نشگاهها تعطيل شوند ديگر " شيطان بزرگ" هم بي خطر مي شود و مصيبتي بنا رنمي آورد .

خميني ميگويد "شاه مال ديديد که در اين حکومت جا زردا نشگاه بود - اما تيددا نشگاه بود و کشور را همان - اما تيددا نشگاه و همان دا نشگاه هي کثا ندند به دا من ابرقدرتها " (همانجا) بدين طريق خميني شاه را خطمي مي کند و تما مي تقصيرات رژيم پهلوي را به گردن دا نشگاه ها ن مي اندازد و در عين حال که به زبان بي زباني ميگويد اگر چه رژيم جمهوري اسلامي قرار داده اي - اميربا لستي را تمدد مي کند ، اگر چه سيل تسليمات اميربا لستي را به کشور

سرا زميني کند ، اگر چه با کروب و تالبيوت و... قرار داده مي بندد و لولي اين دا نشگاه خيانتند که ما را به دا من اميربا لسيه مي گشائند .

بهر صورت رژيم جمهوري اسلامي به رهبري خميني تما مي حيله ها و ابزارهاي شاه در سرکوب دا نشجويان انقلابي را به کار گرفت . سعي کرد تا ديها را در دا نشگاه تا بود سا زد ، حيله با زگردن تدريجي دا نشگاهها را بکارت ، سعي کرد دانش جويان را در مقابل بيگديگر قرار دهد . اما رژيم گاممي نيز از شاه فراتر نهاد . آيت الله خميني با نطق خود در نوروز ۵۹ - فتواي يورش به دا نشگاهها و کشتار انقلابيون را صادر کرد ، بدين طريق پسا را از کشتارهاي شاه فراتر گذاشت . رژيم دا نشگاهها را قسرق خون ساخت ، دا نشجويان انقلابي را کشتار کرد و در دا نشگاهها را بست به اين خيال واهسي که بتواند جلوي رشد ميا رزات توده ها و ارتقاء آگاهي آنان را سد نمايد . به اين خيال واهي که بتواند از "شر" - ميا رزات دا نشجويان ن خلاص گردد . خميني در راه بيه دا نشگاهها شيوه هاي را - اتخاذ کرد و ادا مدها دکه شاه ما لها تجريبه کرده بود . خميني و رژيم جمهوري اسلامي شيوه هاي "شاهشا ه" را پيشه کردند تا مگر "زشر" اين مرز مرا کز منارزه ، که آنان آنرا مرکز فساد ميانا مند خلاصي باياند . غافل از اينست که دا نشجويان - ميا رزات خود را در سرکجا معهود در ميان توده ها ندا وم خواهد بخشيد .

مردم مبارز شيراز! آوارگان قهرمان!

براي مبارزه با شديديا بست احتياقي و سرکوب حزب جمهوري اسلامي و حفظ و گسترش دستاوردهاي قيام حوسين بهمن ماه و دفاع از حوسيني

دموکراتيک نيا خيبر ميا ايجا دو تحکيم شورا هاي انقلابي در کارخانه ، مزارع ، و خوايگا هيائي آوارگان به مقابله سا رژيم ضد خلقی جمهوري اسلامي بخريم . سا ر حرب حاکم با بودي انقلاب ، سا ر حومتکشان ادا مة انقلاب هواداران حاکم در سا زمان چريکهاي ندا شي خلق ايران - شيراز ۶۰/۴/۵

بهداشت ، مسکن و نان براي آوارگان تأمين بايد گردد

گزارشی از مبارزات درخشان دانشجویان انقلابی ایرانی مقیم کشورهای دیگر

فرزندان خلق قهرمانان، مجاهدین و فدائیان و سایر نیروهای رزمنده مردمی آماج گلوله‌های پاداران ضدانقلابی قرار گرفته و دسته دسته وحشیانه ترار - زمان رژیم وابسته به امپریالیسم خائن به جوخه‌های اعدا می‌سپرده می‌گردند. اینک که این رژیم ضد خلقی تلاش می‌کند که در پشت شعارهای تو خالی به اصطلاح "فرد امپریالیستی" به بازاری روابسط اقتصادش با امپریالیستها همچون رژیم سابق بپردازد و زحمتکشان میهنان را همچنان در جنگال فقر و گرسنگی، بیکاری و بی خانمانی جنگ و آوارگی، جهل و بسواد و و در یک کلام وابستگی و استبداد نگه داشته حاکمیتی که مبارزات دمکراتیک خلقهای کرد، ترکمن، ... را با دهنش سرکوب می‌کند به این امید که چندی صبر بکشد حکومت ننگین خوش ادا دهد.

در چنین موقعیتی ارتجاع حاکم سنی در دبا برگزاری انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری آخرین موضع حکومتی را نیز رسماً "به تصرف در آورده و به سلطه خود بر تمامی نهادها شکل قانونی بخش و یکی از برده‌های نمایشی اخیر را بازی کند.

در این رهگذر خائنین سازشکار حزب توده، جناح راست اکثریت، گردانندگان نشریه امت با تأیید کامل رژیم ضد انقلابی حاکم سعی دارند جنایات این رژیم را مبارزه با امپریالیسم جلوه دهند. خلق‌های مبارز و قهرمان میهنان همچنان که نشان داده اند با مقاومت و مبارزه - دلورانه خویش این مرتجعین را نیز همچون تمام رژیمهای ضد خلقی به زباله - دان تاریخ خواهند ریخت. در چنین شرایطی ما دانشجویان مبارز متعهد - ایرانی در خارج از کشور، متشکل در کمیته ها و شوراهای ضد امپریالیستی، ضد ارتجاع همگام با نیروهای انقلابی ایران، وظیفه خود می‌دانیم که به افشای ماهیت ضد انقلابی هیئت حاکمه ایران در تظاهرات عمومی جهان بپردازیم و با تظاهرات گسترده و سراسری خود در روز - برگزاری انتخابات فرمایشی بپردازیم. چهره ارتجاع برکشیم.

تا بود با امپریالیسم جهانی به سرگردی امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی سرنگون با ارتجاع حاکم زنده بساد شوراهای انقلابی ننگ بر سازشکاران و خائنین توده ای، اکثریتی، امنی و سه جانی پیروز با دبا رزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران کمیته ها و شوراهای ضد امپریالیستی - ضد ارتجاع دانشجویان ایرانی در آمریکا فرانسه - آلمان - انگلیس - سوئد - ایتالیا (هواداران) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران سازمان مجاهدین خلق ایران

چهارشنبه ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیر) در مقابل سفارت ایران در پاریس اجتماع عظیمی خواهند کرد تا با استهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را افشا سازند. فالانژها چهارشنبه اطراف سفارت بسیج می‌شوند که مانع تجمع شوند ولی با همکاری کمیته هماهنگی رفقای هوادار و مبارزان راس ساعت بوسیله اتوبوسهای شورستی که از قبل تدارک دیده بودند جلوسفارت - بیاده می‌شوند (ساعت ۱۱) روزنامه‌های دیواری، بلاکاردها، آرم سازمان نصب میشوند با نیروهای انقلابی نیز شروع به پیمین کار میکنند در این موقع نمایش - گان انجمنهای دانشجویی سمیت یک ساعت با فناء حاکمیت ایران می‌پردازند.

آلمان

روزشنبه ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیر) بنا به دعوت شورای دانشجویان ایرانی ضد امپریالیست - ضد ارتجاع در آلمان، برلین غربی (هواداران سازمان و - مجاهدین) تظاهراتی در فرانسفورت با شرکت حدود ۸۵۰ - ۹۰۰ نفر برگزار - مینمایند این راهپیمایی در اعتراض به کشتار، شکنجه و دستگیریهای وحشیانه اخیر رژیم صورت گرفته است. هواداران ارتش جمهوری خواه ایرلند نیز در این مراسم شرکت داشته اند، در ابتدای - برنامه یک دقیقه سکوت اعلام میشود. شعارها تیکه بوسیله تظاهراتندگان حمل میشد. "زندانی سیاسی آزاد بگرد - ترور، شکنجه، زندان تا بود بیدگردد - آمریکا، ارتجاع، دشمنان خلق ما - نمازش نه تسلیم نبردم آمریکا - درود بفرمادی، درود بفرماد ما - ساواک، سیا، ارتجاع دشمنان انقلاب - مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده بساد شوراهای انقلابی.

در روز انتخابات دوم مرداد نیز بدست دانشجویان انقلابی ایران کمیته همگام کشورهای آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس ایتالیا و سوئد تظاهراتی بعنوان - اعتراض و افشای انتخابات فرمایشی در مقابل سفارتخانه‌های ایران در این کشورها صورت گرفت و با پخش اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مشترک پایان یافت متن قطعنامه‌ها به این شرح است:

هم میهنان مبارز اینک که رژیم ضد انقلابی ایران با اتخاذ شیوه‌های سرکوب، اختناق، شکنجه سرکوب، کشتار، تلافی مذبحخانه در جهت تثبیت موقعیت متزلزل خویش در داینگ که به شیوه تمام رژیمهای ضد خلقی تعرض گسترده خود را برای سلب هرگونه آزادی و حقوق دمکراتیک مردمان آغاز کرده است اینک که دستاوردهای انقلابی قیام شکوهمند خلقهای میهنان بیش از پیش مورد بیورش و وحشیانه مرتجعین به قدرت خرسده قرار گرفته است، بانک که بهترین

همزمان با تسخیر مبارزات توده‌های مردم علیه رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی و توسل رژیم به تروریسم و دیکتاتوری عریان علیه خلق، موج - مبارزه دانشجویان انقلابی و مترقی ایران در خارج از کشور با توده تازهای یافته است. دانشجویان ایرانی در خارج از کشور همواره از دوران رژیم شاه تا به امروز نقش فعالی در مبارزه علیه رژیم‌های ارتجاعی ایران ایفا کرده اند. افشاکریها و مبارزات آنها در جهت جلب حمایت افکار عمومی جهان و معرفی سازمانهای انقلابی به خلقهای سراسر جهان نقش ارزنده‌ای ایفا کرده است. اکنون رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با توسل به شیوه‌های جنایتکارانه شبه فاشیستی، ترور، اعدام‌های بدون محاکمه و زندانی کردن چندین هزار تن از - نیروهای انقلابی، دانشجویان انقلابی و مترقی ایران در خارج از کشور مبارزه خود را علیه رژیم ضد خلقی ادامه داد. این اقدامات و مبارزات انقلابی دانشجویان جزئی از مبارزه انقلابی خلقهای ایران محسوب شده و مورد تأیید تمام مبارزمانها و گروههای انقلابیست. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن تأیید و حمایت از دانشجویان انقلابی خارج از کشور، بویژه هواداران سازمان که همواره - نشانی ارزنده، مترقی و انقلابی در جنبش دانشجویی ایفا کرده اند از هواداران - سازمان میخواهد که مبارزه خود را علیه رژیم حاکم گسترش دهند، و بویژه از طریق افشاکریها، افکار عمومی جهان را در جریان رویدادهای ایران قرار دهند و با ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی رژیم را افشای نمایند.

فرانسه

شنبه ۴ ژوئیه (۱۳ تیر) در محل سینه دانشگاه که سالهای متعادی محل تجمع دانشجویان ایرانی برای فعالیت سیاسی بود، فالانژهای مزدور حزب جمهوری اسلامی که حدود ۶۰ - ۷۰ نفر بودند پس از اقامه نماز جماعت در محل فوق با جاقو، زنجیر، بطری، کابل و جماق به دانشجویان مبارز حمله ور میشوند (در حالیکه کفن پوشیده بودند). این حمله بدنیال اشغال سفارت در پاریس کنفرانس مطبوعاتی و میتینگ از طرف کمیته سیدسلطان نور، راهپیمایی و میتینگ بدست هواداران سازمان بیکار صورت گرفت. حدود یک ساعت زد و خورد خونین صورت گرفت که صدها دانشجوی مبارز به مقابله با فالانژها بر میخیزند که فالانژها با باره کردن کفن‌هایشان با بفرار - می‌گذارند و تعداد زیادی فالانژ در - بیمارستان بستری میشوند.

شنبه ۱۱ ژوئیه (۲۰ تیر) پلیس بعزت زد و خورد دفته بیش سالین سینه دانشگاه راست، کمیته هماهنگی دانشجویان سازمان را از ایرانی در پاریس اعلام کرد که روز

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

درگیری مردم با پاسداران وفالانزهادر بیابان

چند روز قبل هنگامی که بستگان یک مجاهد شهید که بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده بود، جسد او را برای دفن به گورستان بیابان - از روستاهای اطراف رودسر - میبردند، پاسداران - سرمایه که از هیچ کاری در قبایل - انقلابیون شرم و با خندارند، وحشی از اجساد آنها نیز میترسند، میخواستند مانع دفن جسد او در گورستان شوند. اهالی روستا هر کدام سنگی، چوبی... برداشته و برای اعتراض به گورستان می آیند. با آمدن مردم، بین آنها از یک طرف و افراد بسیج و پاسدار از طرف دیگر درگیری رخ میدهد، که منجر به کشته شدن یک فالانز - شوهفت نفر نیز مجروح شدند.



بقیه از صفحه ۳

شهادت دختر ۶ ساله در مهاباد

مهاباد - در تاریخ ۶/۴/۶۰ یک دختر خرد سال بنام لیلخیا طی (عالمه) در خیابان شیروخورشید بوسیله ماشین پاسداران که با سرعت سرسام آوری در حرکت بود زیر گرفته شده و به شهادت میرسد. چند ساعت بعد از این ماجرا ماشین یکی دیگر از پاسداران (ناداری) نماینده فرمانداری در آموزش و پرورش چند دختر دانش آموز را که با هم در حرکت بودند زیر گرفته کرده بر اثر این حادثه یکی از دانش آموزان از ناحیه پا زخمی و ۲ نفر دیگر جراحات سطحی برداشته. زیر گرفتن مردم از نظریا پاسداران سرما به بیگ کار روزمره تبدیل شده است. موقعی که سرکوبگران از شکستن اراده همتین خلق عاجز میشوند بوسیله غیر انسانی دیگری - متوسل میشوند و از بچه ۶ ساله تا پیر مرد ۸۰ ساله را زیر گرفته و به شهادت میرسانند.

قتل عام ۲۲ نفر از مردم بی گناه مابین بلاغ و گوی آغاچ

شاهیندوز - ۶۰/۴/۱۲ در این روز - نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به روستاهای "مابین بلاغ" و "گوی آغاچ" در اطراف شاهیندوز حمله کردند و تعدادی

از روستایان بی دفاع را دستگیر کرده و با خود بردند. بعد از این جریان جنایتکاران رژیم فاجعه های "قارنا" "قلان" و "ایندرقاش" را بشوهای دیگر در اینجا تکرار کردند و ۲۲ نفر از مردم - زحمتکش و بی گناه این دور روستا را بی رحمانه به جوخه های اعدام سپردند. در این رابطه ۲ کودک خردسال به خاطر جوار غاب و وحشت حاکم بر روستا جان خود را از دست دادند. در همین منطقه دو نفر از دختران - قهرمان کرد که قصد داشتند جنازه یکی از پیشمرگان دموکرات را که (بعد از یک شب و چند ساعت و گذشتن ۸ نفر از مزدوران بشهادت رسیده بود) از صحنه درگیری خارج کنند بدست جنایتکاران رژیم به شهادت میرسانند ولی دختران دیگری در روستا موفق میشوند جنازه پیشمرگ قهرمان را از صحنه درگیری خارج سازند. پیروز با دمبا رزات دلورانه خلق

جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان در تاریخ ۶۰/۴/۲۰ اعلامیه ای درباره شهادت معلم فدائی محمد رضا قصاب آزاد صادر نموده و همه معلمان را به اتحاد و یکپارچگی علیه رژیم جمهوری اسلامی دعوت نموده است.

بگفته را دیو صای کردستان ایران طی یک درگیری در دره خان (بانه) بین پیشمرگان حزب دموکرات و پاسداران و ارتشیان ضربات مهلکی به سرکوبگران وارد آمده در این درگیری ۴۰ پاسدار و ارتشی کشته و مقداری اسلحه و مهمات از رژیم به غنیمت گرفته شد. در این درگیری پیشمرگان توانستند ۴۰ قبضه ۳ - ۴ قبضه کالیبر ۵۰ - یک توپ ۲ - ۴ عدد تاکت ۲۰ صندوق مهمات ۳ - ۴ عدد سیم رخ صادر کنند. پس از درگیری مزدوران رژیم شهر بانه را به توپ بسته و ۶ نفر از مردم عادی را شهید نمودند.

نامه یکی از هواداران چه گسائی و صدراهوروندی

شرکت مرغداری نکین واقع در جاده ساوه بین ایستگاه شاطره و گلدرسته و - دارای دوسالین مرغداری می باشد که روزانه در حدود ۲۰۰ تن تخم مرغ تولید میکند. در این مؤسسه کارگران با حقوق ناچیزی در حدود ۴۰ تا حداکثر ۶۰ تومان در روز کار میکنند و در بدترین شرایط بهداشتی قرار دارند و بیعت سگونت خانواده کارگران در محل مرغداری، به امراض گوناگونی مبتلا می شوند. رئیس کارخانه "اعتمادیان" قبیل از قیام به پاریس رفت و با تحویل مقدار زیادی پول به خبیثی، وفاداری خود را به انقلاب در شرف وقوع اعلام کرد و با این ترتیب در شمار میان مستضعفان قرار گرفت. وی هم اکنون هرگونه اعتراضی را که از سوی کارگران بخاطر افزایش حقوق و یا تا مین بیعه و بهداشت و درمان و مسکن و غیره صورت بگیرد با اخراج کارگران پاسخ میگوید و در عوض کارگران افغانی را (تحت پوشش جماعت از مسلمانان افغانی) استخدام مینماید. در این مرغداری کودکان و نوجوانان ۹ - ۱۶ ساله بکار مشغولند و از حق بیمه و مزایا محرومند. اعتمادیان (بنابسه گفته کارگران) علاوه بر این، مرغداری دیگری نیز در بزرگوار دارد. بعلاوه او از طریق فروش جای و احتکار لاستیک اتومبیل و سپس فروش آن مبالغ هنگفتی بجنب میزند و از تجار و محتکرین بزرگ بازار است. اخیراً "اواسوی" - رجائی بسمت سرپرستی سازمان اوقاف منصوب شده است. حال مردم خود قضاوت میکنند که رژیم جمهوری اسلامی چه کسانسی را در مصداق مورقرا ر میبهد و حای چه طبقاتی است.

پاره ای از حقوق زندانیان سیاسی که قوانین و مقررات رژیم مقرر داشته است

۱ - هیچکس را نمیتوان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین میکند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تعهیم شود و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود (اصل ۳۲ - قانون اساسی جمهوری اسلامی)

۲ - هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود (اصل ۳۸ - ق - ۱ - ج - ۱)

۳ - اصل بر اینست که هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمیشود مگر اینکه جرم او در دادگاه ثابت گردد. (اصل ۳۲ - ق - ۱ - ج - ۱)

۴ - در همه دادگاهها طرفین دعوی حتی

۱ - هر یک از افراد برای خود وکیل انتخاب نمائند و اگر نتوانستند انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکان تعیین وکیل فراهم گردد (اصل ۳۵ - ق - ۱ - ج - ۱)

۵ - رسیدگی به جرائم سیاسی و - مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکمه دادگستری صورت میگیرد. نحوه انتخاب شرایط، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین میکند. (اصل ۱۶۸ - ق - ۱ - ج - ۱)

۶ - هر بازداشتی باید از نظر غذا، بهداشت، محل زیست، مداوا، پوشاک، و مسائل مطالعه تا مین باشد و از هر نوع بدرفتاری مصون باشد (مقررات حداقل زیست برای زندانی)

۷ - هر زندانی حق دارد حداقل یکبار در هفته با بستگان خود ملاقات کند (مقررات حداقل)

۸ - هر زندانی حق دارد با بستگان خود مکاتبه داشته باشد (مقررات حداقل ..)

۹ -

کردستان، کردستان پاینده باد عزمت، پیروز باد رزمت



گزیده‌ای از: اعلامیه‌های شهرستانها

رفقای هوادار ما زمان در کرمانشاه طی اعلامیه‌ای که تحت عنوان (جنابیت به بیانه روز خوار) در پنجم تیرماه منتشر کرده اند یک نمونه از جنابیت‌های وحشیانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را شرح داده‌اند. رفقای کرمانشاه در بخشی از اعلامیه خود می‌نویسند:

مردم مبارز و آگاه کرمانشاه چند روز پیش با سداران سرمایه در حوالی خیابان رشیدی دستهای جنایتکار خود را به خون انسان بیگناه دیگری - آلودند و گروهیان احمدعلی بهرامی را که تازه از جبهه جنگ برگشته بودند تنها به بهانه خوردن چند عدد تخمه و داشتن سیگاری در لای انگشتان، با گلوله‌ای که به دهانش شلیک کردند به قتل رسانده و جنابیتی دیگر به جنابیت بی حد خود افزودند. قاتل که پاداری بنام جمشید سلیمان است به پشتگرمی سران حکومتی، هنگام تجمع مردم به دور او در جبهه دارمکورد برای اطلاع از ماجرا، وزمانیکه بهرامی دهانش را باز کرده بود تا نشان دادن آن به مردم و پادار را ثابت کند که چیزی نخورده است، با شلیک گلوله به درون دهان - گشوده اش وی را در خون خود غلتانید و سپس با خون سردی جسدش را در مقابل چشمان حیرت زده مردم برداشته بداخل یک لندرو عبوری میگذارد و از محل حادثه میگریزد.

طبق اطلاع، پاداران حکومتی میخواستند با سرهم کردن داستانها شبی چون ضا نقلابی بودن و مبتلا دیبوهن مقتول، قتل را موجه و قاتل را از مجازات برهانند و هم اکنون نیز پرونده قتل را از دادگستری گرفته و از جریان انداخته و مسکوت گذاشته‌اند.

قاطعانه و با تمام توان خویش به مبارزه علیه سرکوب حزب جمهوری اسلامی برخیزیم

هواداران ما زمان در ترکمن صحرا در رابطه با موج سرکوب و ترور رژیم حاکم اعلامیه‌ای منتشر کرده اند و در آن ضمن یادآوری کوتاهی از جنابیت رژیم جمهوری اسلامی از قیام تاکنون به اعدام یکی از فرزندان مبارز خلق ترکمن اشاره می‌کنند و می‌نویسند:

مردم مبارز ترکمن صحرا ... مجاهد خلق (احمدقلی کرد) که عمر کوتاهش را آنگاه‌ها نه و با ضاقت انقلابی در راه مبارزه با دشمنان رژیم مستکبران، سرمایه داران و دولت حامی آنان گذرانده بودند دست دژخیمان دولت جمهوری اسلامی تیرباران شد و خلق قهرمان ترکمن

سرزمین فلسطین با شعار آزادمی شود در حاشیه روز قدس

امسال رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تبلیغات وسیع پیرامون روز قدس، بنا بر شکستگی بیشتری این روز را برگزار کرد. درست از همان هنگام که چهارمین هواپیمای حامل اسلحه و لوازم پزشکی ای که از طریق واسطه سویمی از اسرائیل خریداری شده بود سقوط کرد و پیردهای تزویروریا دریده شد، دستگاہای تبلیغاتی رژیم پیرامون آزادی فلسطین داد سخن دادند، اما یک مقایسه اجمالی مراسم امسال و سال گذشته، رسوائی رژیم را به خوبی نشان میدهد.

در سال گذشته از آنجا که هنوز چهره فریبکارانه جمهوری اسلامی در زیر نقاب با صلاخ مبارزه ضد امپریالیستی پنهان بود، نمایندگان جنبشهای رهاشی بخش سراسر جهان و همچنین کشورهای مترقی و ضدا امپریالیست با حضور خود در این مراسم، همبستگی خویش را با خلق قهرمان فلسطین اعلام داشتند و به دعوت رژیم می‌گفتند که تحت فشار جنبش توده‌ای، سعی می‌کند چهره مترقی بخود بگریزاند.

اما امسال، بدنبال سیاستهای ضد خلقی آشکاری که در سیاستهای خارجی و داخلی رژیم حاکم دیدند، با عدم شرکت یکباره خود در نشست محکمی برده‌اند سردمداران رژیم جمهوری اسلامی کوبیدند.

از سوئی سیاستهای خارجی رژیم که پس از تمایز گروگانگیری جاسوسان آمریکائی و سپس آزادی مفتضحانه آنان، عقد قراردادهای تسلیحاتی بنام اسرائیل امپریالیست و صهیونیستها مستقیم و غیر مستقیم (از طریق واسطه‌ها و دلالتهای

بین المللی آنها)، نزدیکی با کشورهای ارتجاعی منطقه از جمله پاکستان، ابقا قرار داده‌ای اروپائی و ژاپنی و همچنین سرمایه‌داری آمریکا دارند. تمام به امپریالیسم آمریکا دارند. کمکهای همه جانبه به جنبشهای ارتجاعی منطقه از جمله حزب الدعوه عراق، جنبش ارتجاعی افغانستان و جنبش مل لیبیا و در ریخ از هرگونه کمک به خلق فلسطین تحت پوشش جنگ ارتجاعی کنونی بنا عراق و نبود امکانات مادی و غیره و از سوی دیگر سیاستهای داخلی مبتنی بر سرکوب و وحشیانه خلقهای قهرمان ایران و کشتار وحشیانه انقلابیون جان برکف کارگران و زحمتکشان و برقراری دیکتاتوریه فاشیستی که هرگونه اعتراض را با گلوله پاسخ میدهد.

آنچنان ماهیت مزدورانه رژیم را که کوس مبارزه ضد امپریالیستیش گوش فلک را کر کرده بنمایش گزارد که تنها جنبشهای مترجم منطقه که تحت پوشش کمکهای مالی و تسلیحاتی رژیم بیرون ایران آمدند. این حرکت جنبشهای انقلابی در سطح جهان (عدم پذیرش دعوت ایران) بیان تکرار این واقعیت است که دیگر شعارهای پوئالی و بی محتوای رژیم نقاب فریبکارانه خود را از دست داده است.

اینک پیروزی خلق قهرمان ایران دو دوش خلق فلسطین و سایر خلقهای جهان مبارزه‌ای تا پای جان را می‌طلبند که نه تنها اسرائیل بلکه امپریالیسم جهانی و کلیه پایگاههای داخلی اش را به گورستان تاریخ سپارد.

حمله به زندان قصر بابل بدنبال اعدام انقلابیون

دوازده نفر از انقلابیون شب پنجم مرداد در زندان قصر بابل دست دژخیمان جمهوری اسلامی اعدام می‌شوند. این اعدام همچون دیگر اعدامهای گروهی و بدون محاکمه انقلابیون و مبارزین در بیدادگای رژیم، موج خشم و تنفر مردم ایران تکیخت. همان شب، ساعتی پس از اعدام این انقلابیون، زندان قصر بابل از سه طرف مورد حمله نیروهای انقلابی قرار می‌گیرد. تیراندازی از ساعت یازده شب تا چهار صبح ادامه داشت و مردم شهر بابل همه از خبر این حمله مطلع شدند اما را دیوساری که همانند تمام همکاران خود تبدیل به دستگاہ دروغ - برداری رژیم شده است از قول پاداران گفت که تیراندازی شب قبل با خاطرس تحریک پاداران بوده است.

صبح همین روز، زندانیان سیاسی این زندان، بدنبال اعلام خبر اعدام مجاهد شهید محمدرضا سعادت دست به اعتراض و تظاهرات زده به بندک توطئه پاداران سرکوب شده بود.

فرزند دلیر دیگری در راه‌ها شیبی زحمتکشان تقدیم کرد. پیکر خونین این مجاهد خلق که با مسلسل دژخیمان به گلوله بسته شده بود دریا گرفتند. ده هزار تومان در آزادی ده گلوله‌ای که پاداران ضد انقلابی در تنش نشانده بودند به خانواده اش بازیس داده شد، کاری که برای خلق قهرمان ایران چندان تازگی ندارد چرا که مزدوران شاه معدوم نیز اینچنین بودند.

ما از مردم ترکمن صحرا می‌خواهیم که در شرایط اختناق و سرکوب کنونی متحدان همرا با نیروهای انقلابی، بیگانه به مبارزه با عوامل ضدا انقلاب و بسته به حزب جمهوری اسلامی برخیزند. آنها را و اتحادی است که می‌تواند روز مرگ این خودکامگان و قصابان خلق را نزدیکتر گرداند.

مردم مبارز ترکمن صحرا، با تمام توان خویش به مبارزه و مقاومت علیه سرکوب و کشتار انقلابیون و زندانیان سیاسی برخیزیم تا اراده و مقاومت خلق در صفوف به هم فشرده علیه ضدا انقلاب اوج بیشتری یابد.

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

پیشمرگان فدائی طی عملیاتی در شهر مهاباد تعدادی از مزدوران را کشته و تعدادی را زخمی کردند

۱۷ تیرماه یک دسته از پیشمرگان فدائی وارد شهر مهاباد شده و با استقبال گرم مردم مهاباد از این شهر و برودند پیشمرگان ساعت ۱۲ شب دو چهارراه آزادی به کمین پاسداران و دیگر مزدوران رژیم نشستند در ساعت ۲ یک جیب حامل پاسداران به کمین پیشمرگان فدائی افتاد و مورد حمله برق آسای پیشمرگان قرار گرفت که طبق خبر موقت ۳ نفر از مزدوران کشته و نفر دیگر شدت زخمی شدند و پیشمرگان بعد از عملیات سالم به پایگاههای خود بازگشتند. قابل توجه است که کمینگاه پیشمرگان در بین سه پایگاه دشمن قرار داشت و سرکوبگران اعلام حکومت نظامی نموده بودند.

روز بعد یعنی پنجشنبه ۱۸ تیرماه

پیشمرگان فدائی مجدداً ساعت ۹/۳۰ وارد شهر مهاباد شده و میدان ملاحامی را به کنترل خود درآوردند و تا ساعت ۱ به کمین مزدوران نشستند که سرکوبگران جزات خارج شدن از قرارگاههای خود را ندادند و در این فاصله پیشمرگان شعارهای سازمان را در نقاط مختلف شهر نوشتند و با مردم به گفتگو پرداختند. روحیه مردم فوق العاده عالی و شادمانه از پیشمرگان قهرمان خود استقبال مینمودند این عملیات فقط گوشه ای از انتقام خلق و پیشمرگان قهرمان آن از جلادان و مزدوران رژیم است که به رقیقان فدائی شهید سعید سلطانی و دهها روزمنده انقلابی خلق را در خون غلطاند.

سلیمان معینی و چند مدرسه دیگر بطور وحشیانه به محاصره پاسداران در میاید. از این مدارس نیز چند نفر را دستگیر میکنند. قابل توجه است، پیرزنی که شا هد معینی این ماجرا بود میگفت: نمودار نم اگر به پاسدارها خبر میدادند که یک گردان ارتش عراق در این مدرسه کمین کرده است چه تعداد پاسدار میاوردند. بقیه در صفحه ۱۸

محصوره مدارس در مهاباد در تاریخ ۶/۴/۶۰ پاسداران سرمایه مدارس مهاباد را به نوبت محاصره و از هر مدرسه یکی چهار نفر را با زدن شمشیر مینمایند. پاسداران سرمایه ابتدا - مدرسه را هنگامی ادب را محاصره و دو نفر را دستگیر میکنند، بعداً "هنرستان، دبیرستان کردستان، مدرسه را هنگامی

گزارشی از جلوزندان دیزل آباد کرمانشاه

زندانی های رژیم جمهوری اسلامی بسیار بیش از ظرفیت خود زندانی دارند. چندین مکان عمومی مثل استادیوم - های ورزشی، اما مدار و ... تبدیل به زندان و بازداشتگاه شده است. جو عمومی زندان ها مبتنی بر ارباب و وحشت و خفقان است. مزدوران و دزدخیمان میگویند با اعمال فشار بر فرزندان - مبارز خلق، روحیه مبارزاتی آنها را تضعیف کنند و از این طریق خیال خود جلوا و جگری مبارزان توده ها را بگیرند. اما این کوردلان مرتجع که هرگز از تاریخ درس نمیگیرند خیلی زود فراموش کرده اند که چگونه تمام مبارزانم و خفقان، مراکز ساواک و خانه های امن رژیم منقور پهلوی بزرگم های نیرومند توده ها سرزید و همان بدروم درها و خانوادها را که در جستجوی فرزندان انقلابی خود در جلوزندانها و بازداشتگاهها تجمع می کردند و فشار و توهین و ضرب و شتم و دستگیری مزدوران شاه را تحمل میکردند همان مراکز را بدست توانای خود کشودند. این مزدوران و خدمتگزاران امپریالیسم نمیتوانند درک کنند که این خلق قهرمان، این توده های انقلابی دیگری آنها اجازه تکرار ماجراهای گذشته را نمیدهند. هر چند تحت فشار قرار گیرند و پاسداران سرمایه با آنها همان کنند که ساواکی ها میکردند. امروز نیز جلوزندان های شاه ساخته جمهوری اسلامی محل تجمع خانواده های است که انقلابیون و مبارزین را پرورده اند. گزارشی که در زیر میخوانید از زندان مادری است که برای ملاقات عزیز بی زندان دیزل آباد کرمانشاه رفته است. او میگوید:

یکشنبه ۲۸ تیرماه برای ملاقات به زندان دیزل آباد رفتم، زندان خارج از شهر است اما نمیدانم در کدام قسمت قرار دارد. برایشان و ناراحت و ادرحیاط - زندان شدم اما پس از ورود تمامی غمهای خود را فراموش کردم زیرا صفی بسیار طولانی از خانواده های زندانیان تشکیل شده بود. زن و مرد، پیر مرد و پیرزن، همه لباس کردی به تن داشتند، اگر لباس و کفش و کلاه همه آنها را بر روی هم میفرودختی با پولش حتی یک وعده غذا هم نمی شد خرید. فقر و فلاکت از سروروی این مردم میبارید. پیر مرد ها می در صف بودند که حتی نمیتوانستند راه بروند. مردم از آفتاب داغ بعد از ظهر بزرگ سایبان پناه برده بودند. پیر مرد ها نفرین میکردند و زنها قش و ناله سردا ده بودند. آرزوی مرگ و نیستی رژیم جمهوری اسلامی را میکردند. به زنی نزدیک شدم، گفتیم بچه ات را کجا گرفتند گفت شب در رختخواب، گفت جرمش چه بود؟ ناله و بقیه در صفحه ۱۶

گرامی بان خاطره مجاهد شهید محمد رضا سعادت

لحظات حکومتش علیه رفقا جزئی و بیار او مرتکب شد، و محمد رضا سعادت را به جوخا عدا م سپرد. این اقدام نه تنها پیش از پیش ما هیت ضد خلقی جناحیتکارانه و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را با خلق ایران و همه خلقهای سراسر جهان نشان داد بلکه در همان حال نهایت درماندگی، عجز و بونی رژیم را بنمایش گذارد. - ترور، شکنجه، و اعدام زندانیان آخرین حربه ایست که رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی بدان دست میزنند تا خیال خام خود را ایجاد محیط رعب و وحشت، خللی در مبارزات توده های مردم و پیگیری و آشتی نا پذیری سازمانهای انقلابی ایجاد کنند. این خود نشان دهنده - و رشکستی، و بی اعتباری رژیم جمهوری اسلامی در میان توده ها است. اما این اقدامات نه تنها نمیتواند دلخظای از سقوط اجتناب ناپذیر رژیم جلوگیری کند بلکه بالعکس خشم و روشا ن توده ها را علیه رژیم خاکم برخواهد انداخت. - دیر نیست روزی که خلق قهرمان ایران انتقام خون فرزندان انقلابی را از جلادان رژیم جمهوری اسلامی بگیرد. فرزندان انقلابی خلق همیشه در قلب توده ها زنده میمانند. یادش گرامی باد

یکبار دیگر دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بخون یکی از فرزندان انقلابی و مبارز خلق آلوده شد و محمد رضا سعادت مجاهدی که سالها عمر خود را در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع گذرانده بود، بدست دژخیمان رژیم به قتل رسید. محمد رضا سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق ایران که سالها در زندانهای رژیم شاه اسیر بود، یکی از چهره های مبارز و مقاوم دهه اخیر محسوب می شد. مبارزات و ایستادگی های او در زندانهای رژیم مزدور شاه را زندانیان سیاسی رژیم گذشته و خلق ایران بیاد دارند. این مبارزه و مقاومت نمیتوانست خشم همه مرتجعین از جمله سرداران رژیم کنونی را که دشمن انقلابیون و نیروهای مترقی هستند، برنیا نکند. بنا بر این هنوز چندی از آزادی اوقوام قهرمانان خلقهای ایران نگذشته بود که بنا بدلائل واهی توسط جاسوسان آمریکا دستگیر و با آنها ماتی که حتی یک سند و مدرک برای اثباتش ارائه نشده به سال - زندان محکوم شد. ما رژیم جمهوری اسلامی که اکنون آخرین لحظات حیات تنگن - اش را میگذراند، هفته پیش برخلاف تمام موازین بشری و جهانی، به مسان شیوه ای متوسل شد که رژیم شاه در آخرین

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد